

## رساله حقوق امام سجاد عليه السلام

مترجم: علی عطائی اصفهانی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین عليهم السلام  
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایی احتمالی، روی این کتاب انجام  
نگردیده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعْلَمْ رَحِمَكَ اللَّهُ أَنْ لِلَّهِ عَلَيْكَ حُقُوقاً مُحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحْرُكُهَا أَوْ  
سَكَنَةً سَكَنَتْهَا أَوْ مَنْزِلَةً نَزَلَتْهَا أَوْ جَارِحَةً قَلَبَتْهَا وَ آلَةٌ تَصْرَفَتْ بِهَا بَعْضُهَا أَكْبَرُ مِنْ  
بَعْضٍ

ترجمه:

بدان، خدایت رحمت کناد، که خدا را بر تو حقوقی است که در هر حرکتی که  
صورت دهی و هر سکونی که بر آن بمانی و به هر جایی در آبی و هر اندامی را  
بجنبانی و هر وسیله‌ای را به کار گیری تو را فرا گرفته است و پاره‌ای از آن  
حقوق مهمتر و بزرگتر از پاره‌ای دیگر است.

وَ أَكْبَرُ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَهُ لِنَفْسِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ حَقِّهِ الَّذِي هُوَ  
أَصْلُ الْحُقُوقِ وَ مِنْهُ تَفَرَّعَ ثُمَّ أَوْجَبَهُ عَلَيْكَ لِنَفْسِكَ مِنْ قَرْنِكَ إِلَى قَدَمِكَ عَلَى  
اِخْتِلَافِ جَوَارِحِكَ

ترجمه:

بزرگترین حقوق خداوند بر تو حقیست که آن ذات مقدس به عنوان حق خود  
رعایت آنرا بر تو واجب نموده است؛ حقی که اصل حقوق است و از آن حقوق  
دیگر منتشر و متفرع میشود و در درجه دوم حق خودت بر خودت میباشد؛ که  
این حقوق از فرق سر تا کف پای ترا شامل میشود.

فَجَعَلَ لِبَصْرِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِسَمْعِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِلِّسَانِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ  
لِيَدِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِرِجْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِبَطْنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِفَرْجِكَ عَلَيْكَ  
حَقًّا فَهَذِهِ الْجَوَارِحُ السَّبْعُ الَّتِي بِهَا تَكُونُ الْأَفْعَالُ

ترجمه:

پس خداوند متعال بر تو واجب کرده رعایت حق چشمت و حق گوشت و حق زبانت و حق دستهایت و حق پایت و حق شکمت و حق عورتت را؛ که این اعضای هفت گانه؛ سبب افعال و اعمال تو میباشد و از این اعضا بعنوان وسیله ای برای رسیدن به امیال و آرزوهایت استفاده مینمائی

ثُمَّ جَعَلَ عَزَّ وَجَلَّ لِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حُقُوقاً فَجَعَلَ لِصَلَاتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِصَوْمِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِصَدَقَتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِهُدْيِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حَقًّا

ترجمه:

سپس خداوند متعال از برای افعال و کردار تو نیز به عهده تو حقوقی را قرار داد پس بر گردن تو گذاشت حق نماز و حق روزه و حق صدقه و حق قربانی را و هم چنین سایر افعال و کارهایی که از تو صادر میشود همه را بر عهده تو حقوقی است که از طرف خدای متعال جعل شده است.

ثُمَّ تَخْرُجُ الْحُقُوقُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ مِنْ ذَوِي الْحُقُوقِ الْوَاجِبَةِ عَلَيْكَ وَ أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حُقُوقُ أُمَّتِكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَحِمِكَ

ترجمه:

آنگاه حقوقی را که غیر تو بر تو دارد از کسانی که دارای حقوق لازم و واجب الرعایه بر تو میباشدند و خداوند آن حقوق و رعایت آنرا بر تو واجب نموده است پس واجب ترین آن؛ حق پیشوایان؛ بعد حقوق زیر دستان و بعد حقوق نزدیکان میباشد.

فَهَذِهِ حُقُوقٌ يَتَشَعَّبُ مِنْهَا حُقُوقٌ

ترجمه:

این حقوقی که ذکر شد ریشه و اصل سایر حقوق است و تمام حقها به این حقوق برگشته و از آن منتشر میشود

فَحُقُوقُ أُمَّتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقَّ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ ثُمَّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ  
ثُمَّ حَقَّ سَائِسِكَ بِالْمَلِكِ وَكُلَّ سَائِسِ إِمَامٍ

ترجمه:

پس حقوق پیشوایانی که خداوند بر ذمه تو گذاشته است و رعایت آنها واجب نموده است؛ سه قسم است؛ حق کسی که پیشوای تو در حکومت است و بعد حق کسی که پیشوای تو در علم است و بعد حق کسی که پیشوای تو در مُلک است و هرکسی که ترا از جهتی اداره کند پیشوای تو به حساب می آید.

وَ حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقَّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ ثُمَّ حَقَّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ رَعِيَّةُ الْعَالِمِ وَ حَقَّ رَعِيَّتِكَ بِالْمَلِكِ مِنَ الْأَزْوَاجِ وَ مَا مَلَكَتْ مِنَ الْأَيْمَانِ

ترجمه:

حقوق رعیت یا کسانی که به نحوی از انحاء تحت سرپرستی تو قرار دارند نیز سه قسم است که خداوند رعایت آنها بر تو واجب نموده است؛ کسی که تحت سیطره و حکومت تو قرار دارد بر تو حقی دارد و کسی که از تو علم فرا میگیرد بر تو حقی دارد زیرا که جاهل رعیت عالم است.

و کسی که تحت تکفل تو قرار دارد مثل زنی که با او ازدواج نموده ای یا کسانی که مملوک تو هستند همه بر تو حقوقی دارند.

وَ حُقُوقُ رَحِمِكَ كَثِيرَةٌ مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ اتِّصَالِ الرَّحِمِ فِي الْقَرَابَةِ فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقَّ أُمَّكَ ثُمَّ حَقَّ أَبِيكَ ثُمَّ حَقَّ وُلْدِكَ ثُمَّ حَقَّ أَخِيكَ ثُمَّ الْأَقْرَبُ فَالْأَقْرَبُ وَ الْأَوَّلُ فَالْأَوَّلُ

ترجمه:

اما کسانی رحم تو هستند؛ پس حقوق آنان زیاد است؛ باندازه تعداد اقارب و نزدیکان انسان و خداوند بر تو واجب نموده است حق مادرت و حق پدرت و حق فرزندان و حق برادر و خواهرت و بعد حق سایر نزدیکانت؛ پس هر که قریبتر است مقدم تر است و رعایت حقش در اولویت قرار دارد.

ثُمَّ حَقَّ مَوْلَاكَ الْمُنْعَمِ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقَّ مَوْلَاكَ الْجَارِيَةِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ ثُمَّ حَقَّ ذِي الْمَعْرُوفِ لَدَيْكَ ثُمَّ حَقَّ مُؤَدِّبِكَ بِالصَّلَاةِ ثُمَّ حَقَّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ ثُمَّ حَقَّ جَلِيسِكَ

ترجمه:

بعد حق مولا و ولی تست که بر تو احسان میکند و بعد حق غلام و نوکرت هست که تو به او احسان مینمائی و بعد حق کسانی که نسبت به تو احسان نموده اند و بعد حق اذان گوینده برای نماز و بعد حق کسی که امام تو در نماز است و بعد حق کسی که هم مجلس یا هم نشین تو میباشد.

ثُمَّ حَقَّ جَارِكَ ثُمَّ حَقَّ صَاحِبِكَ ثُمَّ حَقَّ شَرِيكَكَ ثُمَّ حَقَّ مَالِكَ ثُمَّ حَقَّ غَرِيمِكَ الَّذِي تَطَالِبُهُ ثُمَّ حَقَّ غَرِيمِكَ الَّذِي يُطَالِبُكَ ثُمَّ حَقَّ خَلِيطِكَ ثُمَّ حَقَّ خَصْمِكَ الْمُدَّعِي عَلَيْكَ ثُمَّ حَقَّ خَصْمِكَ الَّذِي تَدَّعِي عَلَيْهِ ثُمَّ حَقَّ مُسْتَشِيرِكَ ثُمَّ حَقَّ الْمُشِيرِ عَلَيْكَ

ترجمه:

سپس حق همسایه و حق رفیق و حق شریک و حق مال و حق کسی که به او قرض داده ای و حق کسیکه از او قرض گرفته ای و حق کسی که با تو معاشرت دارد و حق کسی که مدعی تو میباشد و حق کسی که تو مدعی او

میباشی و حق کسی که از تو مشورت می خواهد و حق کسیکه تو از او مشورت می خواهی.

ثُمَّ حَقٌّ مُسْتَنْصِحِكَ ثُمَّ حَقُّ النَّاصِحِ لَكَ ثُمَّ حَقٌّ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ ثُمَّ حَقٌّ مَنْ هُوَ أَصْغَرُ مِنْكَ ثُمَّ حَقٌّ سَائِلِكَ ثُمَّ حَقٌّ مَنْ سَأَلْتَهُ ثُمَّ حَقٌّ مَنْ جَرَى لَكَ عَلَى يَدَيْهِ مَسَاءَةٌ بِقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ مَسْرَّةً بِذَلِكَ بِقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ عَنِ تَعَمُّدٍ مِنْهُ أَوْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ مِنْهُ ثُمَّ حَقٌّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَامَّةً ثُمَّ حَقٌّ أَهْلِ الذِّمَّةِ ثُمَّ الْحُقُوقُ الْجَارِيَةُ بِقَدْرِ عِلَلِ الْأَحْوَالِ وَتَصَرُّفِ الْأَسْبَابِ فَطُوبَى لِمَنْ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى قَضَاءِ مَا أَوْجَبَ عَلَيْهِ مِنْ حُقُوقِهِ وَوَقَّعَهُ وَسَدَّدَهُ .

ترجمه:

سپس حق کسیکه او را راهنمایی نموده ای و حق کسی که ترا راهنمایی کرده هست و حق کسیکه بزرگتر است و حق کسیکه کوچک تر است؛ و حق کسیکه چیزی از تو میخواهد و حق کسیکه تو از او چیزی میخواهی؛ و حق کسیکه بدی یا خوبی از او به تو رسیده است؛ چه از روی عمد یا از روی خطا؛ اعم از آنکه آن خوبی یا بدی گفتار باشد یا رفتار؛ بعد حق همه مسلمانها به طور عموم؛ و حق غیر مسلمانها که در حال جنگ و نبرد با مسلمانها نباشند؛ و بعد حقوق هر حادثه و پیش آمدی که پیش می آید و اتفاق می افتد.

پس خوشا به حال کسیکه خداوند او را کمک نماید بر انجام آنچه که بر او واجب کرده است از حقوق و رعایت آن و توفیقش دهد و راهنمایی اش نماید.

## ۱- حق الله

فَأَمَّا حَقَّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ لَأَ تَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِخْلَاصٍ  
جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ يَحْفَظَ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْهَا.

ترجمه:

پس حق خداوند که بزرگترین حق است؛ بر گردن تو آنست که فقط بنده او  
باشی و در عبادت و بندگی شرک نورزی؛ پس وقتی که چنین بودی و بنده  
مخلص او شدی؛ خداوند نیز بر خود واجب میکند که دنیا و آخرت ترا کفایت  
نموده و آنچه را که از دنیا و آخرت دوست میداری برای تو حفظ نماید.

## ۲- حق انسان بر خودش

وَأَمَّا حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَسْتَوْفِيَهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ فَتُؤَدِّيَ إِلَى لِسَانِكَ حَقَّهُ  
وَأِلَى سَمْعِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى بَصَرِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى يَدِكَ حَقَّهَا وَ إِلَى رِجْلِكَ حَقَّهَا وَ  
إِلَى بَطْنِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى فَرْجِكَ حَقَّهُ وَ تَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَى ذَلِكَ

ترجمه:

اما حق خودت بر خودت آنست که از تمام قوه و نیروی خدادادیت؛ استفاده کنی و خودت را در مسیر طاعت خداوند قرار دهی؛ پس ادا نمائی حق زبانت را و حق گوشت را و حق چشمت را و حق دستت را و حق پایت را و حق شکمت را و حق عورتت را و در ادای این حقوق از خدا کمک بخواهی و به او اتکاء کنی.



### ۳- حق زبان

وَ أَمَّا حَقَّ اللِّسَانِ فَأِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَا وَ تَعْوِيدُهُ عَلَى الْخَيْرِ وَ حَمْلُهُ عَلَى الْأَدَبِ -  
وَ إِجْمَامُهُ إِلَّا لِمَوْضِعِ الْحَاجَةِ وَ الْمَنْفَعَةِ لِلدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ إِعْفَاؤُهُ عَنِ الْفُضُولِ الشَّنِيعَةِ  
الْقَلِيلَةِ الْفَائِدَةِ الَّتِي لَا يُؤْمَنُ ضَرَرُهَا مَعَ قَلَّةِ عَائِدَتِهَا وَ يُعَدُّ شَاهِدَ الْعَقْلِ وَ الدَّلِيلَ  
عَلَيْهِ وَ تَزِينُ الْعَاقِلِ بِعَقْلِهِ حُسْنُ سِيرَتِهِ فِي لِسَانِهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

ترجمه:

اما حق زبانت بر تو آنست که از فحشا و منکرات دورش نگهداری و به گفتن  
کلمات خوب و نافع عادتش دهی و وادارش کنی که با ادب و خوب سخن گوید  
و از زیاد گفتن و بیخود چرخیدن در دهان منعش نمائی تا سکوت را رعایت  
کند مگر در جائی که نیاز به تکلم باشد و نفعی برای دنیا و آخرت داشته باشد و  
نگراری سخنی که فائده و نفعی ندارد و جز ضرر و زیان حاصلی در آن متصور  
نیست؛ از دهان تو خارج شود بعد از آنکه عقل و نقل بر مضر بودن و بد بودن  
آن دلالت دارد؛ زیرا که زینت عاقل به عقلش در خوبی گفتار و درست سخن  
گفتن است و حول و قوه ای نیست مگر به حول و قوه خداوند بزرگ.

## ۴- حق گوش

وَ أَمَّا حَقَّ السَّمْعِ فَتَنْزِيهُهُ عَنْ أَنْ تَجْعَلَهُ طَرِيقاً إِلَى قَلْبِكَ إِلَّا لِفُوهَةٍ كَرِيمَةٍ  
تُحَدِّثُ فِي قَلْبِكَ خَيْرًا أَوْ تَكْسِبُ خُلُقًا كَرِيمًا فَإِنَّهُ بَابُ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ يُؤَدِّي  
إِلَيْهِ ضُرُوبُ الْمَعَانِي عَلَى مَا فِيهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

ترجمه:

اما حق گوش بر تو آنست که منزّه و پاک کنی از اینکه راهی به سوی قلب تو باشد مگر برای شنیدن مطالب خوب و مفیدی که در قلب تو خیری ایجاد نماید؛ یا آنکه سبب کسب خلق نیکی گردد؛ زیرا گوش دروازهء سخن به سوی قلب است و موجب انتقال انواع و اقسام معانی به قلب میباشد با تمام خوبیها یا بدیهای که در آن وجود دارد و قوت و قدرتی نیست مگر قوت و قدرت پروردگار.

## ۵- حق چشم

وَأَمَّا حَقَّ بَصَرِكَ فَغَضَّهٖ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَتَرَكُ ابْتِدَالَهُ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ  
تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصَرًا أَوْ تَسْتَفِيدُ بِهَا عِلْمًا فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْإِعْتِبَارِ.

ترجمه:

اما حق چشمت بر تو آنست که برگردانی آنرا از چیزی که خداوند ترا از دیدن آن منع نموده است و بیجهت بهر طرف و هر چیز نظر نکنی؛ مگر در جائی که موجب پند و عبرتی باشد یا سبب بصیرت و بیداری گردد و یا علمی از آن استفاده شود زیرا چشم دروازهء پند و عبرت گرفتن است.

## ۶- حق پا

وَأَمَّا حَقُّ رَجُلَيْكَ فَإِنَّ لَكَ تَمْشِيَّ بِهِمَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ لَا تَجْعَلُهُمَا مَطِيَّتَكَ  
فِي الطَّرِيقِ الْمُسْتَخْفَةِ بِأَهْلِهَا فِيهَا فَإِنَّهَا حَامِلَتُكَ وَ سَالِكَةٌ بِكَ مَسْلَكَ الدِّينِ وَ  
السَّبْقِ لَكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

ترجمه:

اما حق پاهایت بر تو آنست که از آن به عنوان وسیله ای برای رفتن به طرف  
حرام استفاده نکنی و پا را مرکب در راهی که سبب استخفاف و زبونی تو میشود  
قرار ندهی؛ زیرا که این دو پا ترا حمل میکنند و سیر میدهند در مسیر دین و  
سبقت گرفتن در کارهای خوب و قوتی نیست مگر به قوت پروردگار.

## ۷- حق دست

وَ أَمَّا حَقَّ يَدِكَ فَإِنَّ لَّا تَبْسُطُهَا إِلَىٰ مَا لَّا يَحِلُّ لَكَ فَتَنَالَ بِمَا تَبْسُطُهَا إِلَيْهِ مِنَ  
اللَّهِ الْعُقُوبَةَ فِي الْأَجَلِ وَمِنَ النَّاسِ بِلِسَانِ اللَّائِمَةِ فِي الْعَاجِلِ وَلَا تَقْبِضُهَا مِمَّا  
افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَ لَكِنَّ تَوَقَّرَهَا بِقَبْضِهَا عَنْ كَثِيرٍ مِّمَّا يَحِلُّ لَهَا وَ بَسْطُهَا إِلَىٰ كَثِيرٍ  
مِّمَّا لَيْسَ عَلَيْهَا فَإِذَا هِيَ قَدْ عَقَلَتْ وَ شُرِّفَتْ فِي الْعَاجِلِ وَ جَبَّ لَهَا حُسْنُ الثَّوَابِ  
فِي الْأَجَلِ. -

ترجمه:

اما حق دست بر تو آنست که به سوی حرام دراز نشود زیرا سبب عقوبت و  
و عذاب خداوند در آخرت و ملامت و سرزنش مردم در دنیا خواهد بود؛ و  
دستهایت را منع نکنی از چیزی که خداوند بر آن واجب نموده است. بلکه با  
استفاده صحیح و مشروع؛ دستهایت را موقر و بزرگ نما به این بیان که از تمام  
جیزهای که حرام است دورش نگهداری و برای بدست آوردن آنچه که مفید  
است باز و آزادش گزاری؛ پس درین صورت است که مورد احترام دیگران در  
دنیا و پاداش و اجر خداوند در آخرت قرار خواهی گرفت.

## ۸- حق شکم

وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَإِنَّ لَكَ أَنْ تَجْعَلَهُ وَعَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْحَرَامِ وَلَا لِكَثِيرٍ وَأَنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِي الْحَلَالِ وَلَا تُخْرِجَهُ مِنْ حُدِّ التَّقْوِيَةِ إِلَى حُدِّ التَّهْوِينِ وَذَهَابِ الْمُرُوَّةِ وَضَبْطِهِ إِذَا هَمَّ بِالْجُوعِ وَالظَّمَا فَإِنَّ الشَّبْعَ الْمُنتَهَى بِصَاحِبِهِ إِلَى التَّخَمِ مَكْسَلَةٌ وَمَثْبُطَةٌ وَ مَقْطَعَةٌ عَنِ كُلِّ بَرٍّ وَكَرَمٍ وَإِنَّ الرِّيَّ الْمُنتَهَى بِصَاحِبِهِ إِلَى السَّكْرِ مَسْخَفَةٌ وَ مَجْهَلَةٌ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْمُرُوَّةِ.

ترجمه:

اما حقیکه شکمت برتودارد پس از آن به عنوان ظرفی برای جمع شدن حرام چه کم باشد یا زیاد استفاده نکن؛ بلکه حتی در خوراکی های حلال نیز حد اعتدال را کاملا رعایت کن و برای تقویت از خوراک استفاده کن و هیچ وقت بفکر پر کردن شکم خودت تا حلقوم و نادیده گرفتن دیگران نباش و مروت و انصاف را فراموش نکن.

زیرا که نتیجه پر خوری تنبلی و کسالت است و ترا از خیر و صلاح و نیکوئی و انجام اعمال صالحه باز میدارد؛ چنانکه نتیجه زیاد روی در نوشیدن مایعات نیز سخافت و جهالت و بی عقلی خواهد بود.

## ۹- حق عورت

وَ أَمَّا حَقَّ فَرَجِكَ فَحِفْظُهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَالِاسْتِعَانَةُ عَلَيْهِ بِغَضِّ الْبَصَرِ فَإِنَّهُ  
مِنْ أَعْوَانِ الْأَعْوَانِ وَ كَثْرَةَ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ التَّهْدِيدِ لِنَفْسِكَ بِاللَّهِ وَ التَّخْوِيفِ لَهَا بِهِ وَ  
بِاللَّهِ الْعِصْمَةَ وَ التَّأْيِيدُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ.

ترجمه:

اما حق عورت؛ عبارت است از حفظ آن از حرام و برای آنکه بتوانی از حرام  
حفظش نمایی؛ چشمت را از حرام برگردان که چشم بسیار کمک کننده است و  
هم چنین زیاد به یاد مرگ باش و خودت را تهدید به عذاب خداوند کن و از  
خدا بترسان و دست نیاز به سوی خالق بی نیاز بلند نما و از او طلب کمک کن  
زیرا که حول و قوهء نیست مگر به حول و قوهء خداوند.

## ۱۰- حق نماز

فَأَمَّا حَقَّ الصَّلَاةِ فَاَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ وَ أَنَّكَ قَائِمٌ بِهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ الذَّلِيلِ الرَّاغِبِ الرَّاهِبِ الْخَائِفِ الرَّاجِي الْمُسْكِينِ الْمُتَضَرِّعِ الْمُعْظَمِ مَنْ قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسَّكُونِ وَالْإِطْرَاقِ وَ خُشُوعِ الْأَطْرَافِ وَ لِينِ الْجَنَاحِ وَ حُسْنِ الْمُنَاجَاةِ لَهُ فِي نَفْسِهِ وَ الطَّلَبِ إِلَيْهِ فِي فَكَكَ رَقَبَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُكَ وَ اسْتَهْلَكَتْهَا ذُنُوبُكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق نماز پس بدان که آن حضور در محضر خداوند متعال است و تو در برابر خداوند متعال ایستاده ای؛ پس وقتی متوجه این نکته شدی سزاوار برای تو آنست که حاضرشوی در این محضر مانند عبد ذلیلی که رغبت به تقرب و نزدیک شدن به مولایش را دارد و درحالیکه از او (به سبب گناهانت) هراس داری به لطف و کرم او امیدوار باش و بامسکنت و بیچارگی به تضرع و زاری بپرداز و حضور در محضر او را بزرگ بدان؛ با آرامش جسم و جان و توجه کامل به معبود انس و جان تواضع و اظهار بیچارگی کرده آزادیت را از عذاب و آتش تمنا کن زیرا که گناهان و خطاها تو را در بند کشیده اند و بسوی هلاکت و نیستی برده اند؛ و قوتی نیست مگر به قوت خداوند متعال.



## ۱۱- حق روزه

وَأَمَّا حَقُّ الصَّوْمِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ حِجَابٌ ضَرَبَهُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِكَ وَ سَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ وَ فَرْجِكَ وَ بَطْنِكَ لِيَسْتُرَكَ بِهِ مِنَ النَّارِ وَ هَكَذَا جَاءَ فِي الْحَدِيثِ الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ - فَإِنْ سَكَنْتَ أَطْرَافَكَ فِي حَجَبَتِهَا رَجَوْتَ أَنْ تَكُونَ مَحْجُوباً وَ إِنْ أَنْتَ تَرَكْتَهَا تَضَطَّرِبُ فِي حِجَابِهَا وَ تَرْفَعُ جَنَابَاتِ الْحِجَابِ فَتَطَّلِعُ إِلَى مَا لَيْسَ لَهَا بِالنَّظَرَةِ الدَّاعِيَةِ لِلشَّهْوَةِ وَ الْقُوَّةِ الْخَارِجَةِ عَنْ حَدِّ التَّقِيَّةِ لِلَّهِ لَمْ تَأْمَنْ أَنْ تَخْرُقَ الْحِجَابَ وَ تَخْرُجَ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق روزه پس بدان که آن حجابیست که خداوند متعال بین زبان و گوش و چشم و عورت و شکم تو و آتش جهنم آویخته است؛ تا ترا از آتش و عذاب حفظ نماید؛ چنانچه از حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم وارد شده است که " روزه سپری در برابر آتش جهنم است " پس اگر اعضا و جوارحت را با این حجاب پوشانیدی امید وار باش که از آتش و عذاب نیز در امان خواهی بود. اما اگر اعضایت را مطلق العنان و آزاد گذاشتی و از این حجاب استفاده نکردی یا آنرا کاملاً رعایت نکردی و از حدی که خدا برای اعضایت تعیین نموده بود تجاوز کردی؛ با نگاهای شهوت انگیز و بدون ترس از خداوند و عذاب او؛ پس در این صورت؛ از پاره شدن حجاب و خروج از آن در امان مباش و هیچ قوتی نیست مگر به قوت خداوند.

وَ أَمَّا حَقَّ الصَّدَقَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا ذُخْرُكَ عِنْدَ رَبِّكَ وَ وَدِيعَتُكَ الَّتِي لَكَ تَحْتَاجُ إِلَى الْإِشْهَادِ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ بِمَا اسْتَوْدَعْتَهُ سِرًّا أَوْ تَقَّ بِمَا اسْتَوْدَعْتَهُ عَلَانِيَةً وَ كُنْتَ جَدِيرًا أَنْ تَكُونَ أَسْرَرْتَ إِلَيْهِ أَمْرًا أَعْلَنْتَهُ وَ كَانَ الْأَمْرُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ فِيهَا سِرًّا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَمْ تَسْتَظْهِرْ عَلَيْهِ فِيمَا اسْتَوْدَعْتَهُ مِنْهَا بِإِشْهَادِ الْأَسْمَاعِ وَ الْأَبْصَارِ عَلَيْهِ بِهَا كَأَنَّهَا أَوْ تَقَّ فِي نَفْسِكَ لَا كَأَنَّكَ لَا تَتَّقُ بِهِ فِي تَأْدِيَةِ وَدِيعَتِكَ إِلَيْكَ ثُمَّ لَمْ تَمْتَنَنَّ بِهَا عَلَى أَحَدٍ لِأَنَّهَا لَكَ فَإِذَا امْتَنَنْتَ بِهَا لَمْ تَأْمَنْ أَنْ تَكُونَ بِهَا مِثْلَ تَهْجِينِ حَالِكَ مِنْهَا إِلَى مَنْ مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْهِ لِأَنَّ فِي ذَلِكَ دَلِيلًا عَلَى أَنَّكَ لَمْ تُرِدْ نَفْسَكَ بِهَا وَ لَوْ أَرَدْتَ نَفْسَكَ بِهَا لَمْ تَمْتَنَنَّ بِهَا عَلَى أَحَدٍ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق صدقه پس بدان که آن ذخیره تست در نزد پروردگار؛ و امانتی از تو نزد خداوند متعال که نیاز به شاهد ندارد؛ پس وقتی متوجه این جهت شدی؛ به آنچه که مخفیانه و بدون اطلاع دیگران نزد خداوند به امانت می گزاری بیشتر مطمئن باش تا آنچه را که به طور علنی و آشکار

. بنا براین سزاوار برای تو آنست؛ هرچیزی را که به عنوان امانت نزد خداوند میگزاری به صورت مخفیانه بگزاری و از اعلان آن و اخبار دیگران خود داری نمائی و فقط بین تو و خدایت باشد؛ و گوشها و چشمها را شاهد امانتت قرار ندهی؛ و تو باید به امانت بدون شاهد و اطلاع دیگران بیشتر مطمئن باشی؛ نه اینکه فکر کنی اگر شاهدهی نباشد او امانت ترا به تو بر نمی گرداند.

هرگز با دادن صدقه بر کسی منت نگزار زیرا که صدقه از تو میباشد و گر نه خودت را مورد توهین و تحقیر خودت قرار داده ای برای آنکه در صورت منت گذاشتن؛ خودت را از آن اراده نکرده ای و اگر این کار را برای خودت انجام

میدادی کس دیگری را مورد منت قرار نمیدادی و قوتی نیست مگر به قوت  
خداوند متعال.

### ۱۳- حق قربانی

وَ أَمَّا حَقُّ الْهَدْيِ فَإِنْ تَخَلَّصَ بِهَا الْإِرَادَةُ إِلَى رَبِّكَ وَ التَّعَرُّضَ لِرَحْمَتِهِ وَ قَبُولَهُ وَ لَا تُرِيدَ عُيُونَ النَّاطِرِينَ دُونَهُ فَإِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ لَمْ تَكُنْ مُتَكَلِّفًا وَ لَا مُتَصَنِّعًا وَ كُنْتَ إِنَّمَا تَقْصِدُ إِلَى اللَّهِ وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يُرَادُ بِالْيَسِيرِ وَ لَا يُرَادُ بِالْعَسِيرِ كَمَا أَرَادَ بِخَلْقِهِ التَّيْسِيرَ وَ لَمْ يُرِدْ بِهِمُ التَّعْسِيرَ وَ كَذَلِكَ التَّذَلُّلُ أَوْلَى بِكَ مِنَ التَّدَهُّقِنِ لِأَنَّ الْكُلْفَةَ وَ الْمُؤْنَةَ فِي الْمُتَدَهِّقِينَ فَأَمَّا التَّذَلُّلُ وَ التَّمَسُّكُ فَلَا كُلْفَةَ فِيهِمَا وَ لَا مُؤْنَةَ عَلَيْهِمَا لِأَنَّهُمَا الْخَلْقَةُ وَ هُمَا مَوْجُودَانِ فِي الطَّبِيعَةِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق قربانی آنست که هدیه ای برای خدای متعال باشد و رحمت و قبول او را در نظر داشته باشی نه دیدن و تعریف نمودن دیگران را؛ پس وقتی که با این خلوص در نیت؛ قربانی را انجام دهی؛ تکلف و زحمتی برای تو نخواهد داشت زیرا فقط خدا در آن قصد شده است و بس؛ و بدان که خداوند قصد میشود با آسان گرفتن و نه با سخت گرفتن بر خود و دیگران چنانکه خود خداوند نیز بر بندگان خود آسان گرفته و هرگز بر آنان سخت نگرفته است.

و سزاوار برای تو در وقت قربان کردن اظهار تذلل و بیچارگی در پیشگاه

خداوند است

فَأَمَّا حَقَّ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّكَ جُعِلْتَ لَهُ فِتْنَةً وَ أَنَّهُ مُبْتَلَىٰ فِيكَ  
بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَهُ عَلَيْكَ مِنَ السُّلْطَانِ وَ أَنْ تُخْلِصَ لَهُ فِي النَّصِيحَةِ وَ أَنْ لَا تُمَاحِكَهُ  
وَ قَدْ بُسِطَتْ يَدُهُ عَلَيْكَ فَتَكُونُ سَبَبَ هَلَاكِ نَفْسِكَ وَ هَلَاكِهِ وَ تَذَلُّ وَ تَلَطُّفٌ  
لِإِعْطَائِهِ مِنَ الرِّضَا مَا يَكْفُهُ عَنْكَ وَ لَا يُضِرُّ بِدِينِكَ وَ تَسْتَعِينُ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ بِاللَّهِ  
وَ لَا تُعَازِرُهُ وَ لَا تُعَانِدُهُ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ عَقَقْتَهُ وَ عَقَقْتَ نَفْسَكَ فَعَرَضَتْهَا  
لِمَكْرُوهِهِ وَ عَرَضَتْهُ لِلْهَلَكَةِ فِيكَ وَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ تَكُونَ مُعِينًا لَهُ عَلَىٰ نَفْسِكَ وَ  
شَرِيكًا لَهُ فِيمَا أَتَىٰ إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسیکه امور سیاسی ترا رهبری میکند؛ پس بدان که تو برای او فتنه و امتحان هستی و او به خاطر سلطه‌ء که بر تو دارد به این امتحان مبتلی شده است. او را مخلصانه نصیحت کن و از در معارضه و مخالفت با او وارد مشو؛ زیرا که اینکار تو سبب نابودی خودت و او خواهد شد؛ بذل و بخشش او را اگر قبول آن ضرری به دینت وارد نمی کند بلکه میتوانی ازین بخشش استفاده برای امور دینیت نمائی؛ بدون تکبر و با جبین گشاده و تواضع پبیزیر؛ و با او در حکومتش معارضه و معانده نکن زیرا نتیجهء دشمنی تو با او قطع رابطهء دوستی و ایجاد کینه و عداوت است؛ واین تو هستی که با معارضه ات او را وادار نموده ای که به تو ضرر بزند و خودش را به هلاکت و نابودی دچار گرداند در حالیکه تو یاور و معین و شریک او حساب می شوی در آنچه که او نسبت به تو مرتکب شده است و قوتی نیست مگر به قوت خداوند.

## ۱۵- حق استاد (رهبر علمی)

وَ أَمَّا حَقَّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ فَالْتَعْظِيمُ لَهُ وَ التَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَ حُسْنُ الْاسْتِمَاعِ إِلَيْهِ  
وَ الْإِقْبَالُ عَلَيْهِ وَ الْمَعُونَةُ لَهُ عَلَى نَفْسِكَ فِيمَا لَا غِنَى بِكَ عَنْهُ مِنَ الْعِلْمِ بِأَنْ تُفَرِّغَ  
لَهُ عَقْلَكَ وَ تُحَضِّرَهُ فَهَمَكَ وَ تُزَكِّيَ لَهُ قَلْبَكَ وَ تُجَلِّيَ لَهُ بَصَرَكَ بِتَرْكِ اللَّذَاتِ وَ  
تَقْصِ الشَّهَوَاتِ وَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّكَ فِيمَا أَلْقَى إِلَيْكَ رَسُولُهُ إِلَى مَنْ لَقِيكَ مِنْ أَهْلِ  
الْجَهْلِ فَلزِمَكَ حُسْنُ التَّادِيَةِ عَنْهُ إِلَيْهِمْ وَ لَا تَخْنُهُ فِي تَادِيَةِ رِسَالَتِهِ وَ الْقِيَامِ بِهَا عَنْهُ  
إِذَا تَقَلَّدَتْهَا وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ-

ترجمه:

اما حق کسیکه ترا تعلیم می دهد بر تو آنست که در تعظیم و تکریم و احترام او کوتاهی نکرده؛ محضر و مجلس او را بزرگ شماری و به نحو احسن به گفتار او در حال درس گوش فرا دهی و با پیشانی باز از گفتارش و درسش استقبال کنی. برای آنکه بتواند در آموزش تو موفق باشد تو خود نیز استاد را در این امر کمک کن به این بیان که در حال درس و شنیدن سخنان استاد؛ ذهنت را کاملا آماده کن و دقت داشته باش و قلب و دلت را برای پذیرش آنچه میشنوی پاک بگردان و خاطراتت را در آن حال فراموش کرده به لذایذ و امور شهوانی فکر نکن.

و بدان که تو از طرف معلم و استاد رسالت داری تا آنچه را که از او می آموزی به غیر خودت منتقل نمائی و باید همانطور که شنیده ای به دیگران انتقال دهی و چیزی از آن کم یا به آن اضافه نکنی و قوتی نیست مگر به خداوند متعال.

## ۱۶- حق مالک

وَ أَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْمَلِكِ فَانْحَوْ مِنْ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ إِلَّا أَنْ هَذَا يَمْلِكُ مَا  
لَا يَمْلِكُهُ ذَاكَ تَلْزَمُكَ طَاعَتُهُ فِيمَا دَقَّ وَ جَلَّ مِنْكَ إِلَّا أَنْ تُخْرِجَكَ مِنْ وَجُوبِ  
حَقِّ اللَّهِ وَ يَحُولَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ حَقِّهِ وَ حُقُوقِ الْخَلْقِ فَإِذَا قَضَيْتَهُ رَجَعْتَ إِلَى حَقِّهِ  
فَتَشَاغَلْتَ بِهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسی که مالک تست؛ پس مثل حق کسی است که بر تو حکومت  
دارد مگر با این تفاوت که مالک چیزی را مالک است که سلطان و حاکم مالک  
آن نیست! پس بر تو لازم است که مالک را در امور کوچک و بزرگ اطاعت  
نمائی تا وقتی که اطاعت از او منافات با اطاعت و فرمانبرداری خدای متعال  
نداشته باشد و حق خودش را بین تو و حق خدا و حقوق دیگر بندگان خدا  
حایل و پرده نکرده باشد؛ پس هر وقت که حقوق خدا و دیگر بندگان خدا را ادا  
نمودی؛ بر گرد و حق مالکت را ادا کن.

## ۱۷- حق رعیت

فَأَمَّا حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّكَ إِنَّمَا اسْتَرَعَيْتَهُمْ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ عَلَيْهِمْ فَإِنَّهُ إِنَّمَا أَحَلَّهُمْ مَحَلَّ الرِّعِيَّةِ لَكَ ضَعْفُهُمْ وَذَلُّهُمْ فَمَا أَوْلَى مَنْ كَفَاكُهُ ضَعْفُهُ وَذَلُّهُ حَتَّى صَيَّرَهُ لَكَ رَعِيَّةً وَصَيَّرَ حُكْمَكَ عَلَيْهِ نَافِذًا لَا يَمْتَنِعُ مِنْكَ بِعِزَّةٍ وَلَا قُوَّةٍ وَلَا يَسْتَنْصِرُ فِيمَا تَعَاظَمَهُ مِنْكَ إِلَّا بِاللَّهِ بِالرَّحْمَةِ وَالْحَيَاةِ وَالْأَنَاءِ وَمَا أَوْلَاكَ إِذَا عَرَفْتَ مَا أَعْطَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِ هَذِهِ الْعِزَّةِ وَالْقُوَّةِ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا أَنْ تَكُونَ لِلَّهِ شَاكِرًا وَمَنْ شَكَرَ اللَّهَ أَعْطَاهُ فِيمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

ای کسیکه بر مردم حکومت می کنی و زمام امور آنها را بدست گرفته ای بدان که رعیت را بر گردن تو حقوقی است که ملزم به رعایت آن میباشی. بدان که حکومت تو بر آنها ناشی از قوت تو و ضعف ایشان است؛ پس بهتر آنست که کفایت و رعایت کنی کسی را که ضعف و ناتوانیش او را رعیت تو ساخته است؛ و حکم ترا بر او نافذ گردانیده است و نمی تواند که با تو به مخالفت پردازد و برای استیفای حقش علیه تو قیام نماید و فرمانت را سر پیچی کند چون قوت و قدرتی ندارد.

چنانکه برای رهائیش از تو نمی تواند به کسی اتکاء کند مگر به خداوند متعال.

پس نسبت به رعیت رحیم و مهربان باش و برای حفاظت جان و مال و ناموس رعیت و حمایت از آنان لحظهء غافل نباش؛ برای آسایش و آرامش آنها تلاش کن و با حلم و بردباری با ایشان برخورد نما و باید بدانی که تو به فضل خداوند و لطف او حکومت را به دست آورده ای پس خدا را شکرگزار باش؛



زیرا کسیکه شاکر باشد خداوند نعمت بیشتری به عطا می کند و قوتی نیست  
مگر به قوت خداوند.

## ۱۸- حق متعلم بر استاد یا حق جاهل بر عالم

وَ أَمَّا حَقَّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَكَ لَهُمْ فِيمَا آتَاكَ مِنَ الْعِلْمِ  
وَ وَّلَاكَ مِنْ خِرَانَةِ الْحِكْمَةِ فَإِنْ أَحْسَنْتَ فِيمَا وَّلَاكَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ وَ قُضِيَ بِهِ لَهُمْ  
مَقَامَ الْخَازِنِ الشَّفِيقِ النَّاصِحِ لِمَوْلَاهُ فِي عَيْدِهِ الصَّابِرِ الْمُحْتَسِبِ الَّذِي إِذَا رَأَى ذَا  
حَاجَةٍ أُخْرِجَ لَهُ مِنَ الْأَمْوَالِ الَّتِي فِي يَدَيْهِ كُنْتَ رَاشِدًا وَ كُنْتَ لِذَلِكَ أَمَلًا مُعْتَقِدًا وَ  
إِلَّا كُنْتَ لَهُ خَائِنًا وَ لِيَخْلُقَهُ ظَالِمًا وَ لِيَسْلِبَهُ وَ عِزَّهُ مُتَعَرِّضًا

ترجمه:

اما حق جاهل بر عالم یا متعلم بر معلم آنست که بداند خداوند متعال او را امام  
و راهنما قرار داده است به جهت علمی که به او عطا نموده است و کلید خزانه  
حکمت را به دست او داده است؛ پس اگر با آنها که نمی دانند احسان و نیکی  
نمود و از علمی که خداوند به او عطا نموده با مهربانی به آنها آموخت و در  
نصیحت و راهنمایی آنان با صبر و حوصله قدم برداشت؛ و برای نجات جامعه از  
جهل و نادانی؛ از خزانه علمی که خدا در اختیار او گذاشته است انفاق کرد؛ این  
عالم و معلم هدایت شده و هدایت گر است و از روی اعتقاد و ایمان؛ خدمتکار  
جامعه انسانی است.

اما اگر از آنچه می داند انفاق نکند و علم خود را از دیگران دریغ بدارد؛  
خیانتکار بوده و نسبت به خلق خداوند ظالم محسوب می گردد.

وَ أَمَّا حَقَّ رَعِيَّتِكَ بِمَلِكِ النِّكَاحِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَ مُسْتَرَاحًا وَ  
 أَنَسًا وَ وَاقِيَةً وَ كَذَلِكَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْكُمَا يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ وَ يَعْلَمَ أَنَّ  
 ذَلِكَ نِعْمَةً مِنْهُ عَلَيْهِ وَ وَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ يُكْرِمَهَا وَ يَرْفُقَ بِهَا وَ  
 إِنْ كَانَ حَقَّكَ عَلَيْهَا أَغْلَظَ وَ طَاعَتُكَ بِهَا أَلْزَمَ فِيمَا أَحْبَبْتَ وَ كَرِهْتَ مَا لَمْ تَكُنْ  
 مَعْصِيَةً فَإِنَّ لَهَا حَقَّ الرَّحْمَةِ وَ الْمُؤَانَسَةِ وَ مَوْضِعُ السَّكُونِ إِلَيْهَا قَضَاءُ اللَّذَّةِ الَّتِي لَهَا  
 بُدٌّ مِنْ قَضَائِهَا وَ ذَلِكَ عَظِيمٌ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسی که به جهت ازدواج رعیت تو حساب می شود؛ بر تو آنست که بدانی؛ خداوند متعال قرار داده است او را تسکین دهنده و آرامش بخشنده و نگهدارنده و انیس برای تو؛ پس بر هر دو نفر شما واجب است که قدر این مصاحبت را بدانید و از خداوند متعال به خاطر این نعمت تشکر نمائید؛ زیرا که این نعمت از ناحیه اوست و واجب است که با نعمت خداوند بدیده تکریم و احترام نگاه شود و با مهربانی و لطف و خوشروئی با آن برخورد نمائید.

گرچه که شوهر را بر زن حق بزرگیست و اطاعت زن از شوهرش واجب است تا وقتی در آن معصیت خداوند نباشد؛ اما زن نیز بر شوهر حقوقی دارد که باید رعایت نماید پس بر شوهر است که با همسر خویش مهربان بوده و با او انیس و همدم باشد.

زیرا به خاطر لذتی که از زندگی با زن خویش میبرد بر او واجب است که حق این لذت ادا کند و این حق بزرگی می باشد و قوتی نیست مگر به قوت خداوند متعال.

## ۲۰- حق مملوک (خدمتکار)

وَأَمَّا حَقَّ رَعِيَّتِكَ بِمَلِكِ الْيَمِينِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُ خَلَقُ رَبِّكَ وَ لَحْمُكَ وَ دَمُكَ وَ  
أَنَّكَ تَمْلِكُهُ لَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ دُونَ اللَّهِ وَ لَا خَلَقْتَ لَهُ سَمْعًا وَ لَا بَصَرًا وَ لَا أَجْرَيْتَ لَهُ  
رِزْقًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ كَفَاكَ ذَلِكَ ثُمَّ سَخَّرَهُ لَكَ وَ أَتَمَّنَكَ عَلَيْهِ وَ اسْتَوَدَعَكَ إِلَيْهَا  
لِتَحْفَظَهُ فِيهِ وَ تَسِيرَ فِيهِ بِسِيرَتِهِ فَتَطْعِمَهُ مِمَّا تَأْكُلُ وَ تَلْبِسُهُ مِمَّا تَلْبَسُ وَ لَا تُكَلِّفَهُ مَا  
لَا يُطِيقُ فَإِنْ كَرِهْتَهُ خَرَجْتَ إِلَى اللَّهِ مِنْهُ وَ اسْتَبَدَلْتَ بِهِ وَ لَمْ تُعَذِّبْ خَلْقَ اللَّهِ وَ لَا  
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق مملوک (غلام و کنیز) بر تو آنست که بدانی او مخلوق پروردگار تست  
و گوشت و خون تو حساب می شود و تو مالک او هستی نه سازنده او و نه  
آفریننده گوش و چشم او و نه روزی دهنده او؛ بلکه خداوند ترا امین قرار داده  
و او را امانتی در نزد تو گذاشته است که حفظ و صیانت از او به عهده تو می  
باشد.

پس همانطوریکه خداوند با تو رفتار میکند تو با او رفتار کن؛ از آنچه  
خودت میخوری به او بخوران و آنچه خودت میپوشی به او بپوشان و او را به  
آنچه که بالاتر از توان و قدرتش میباشد تکلیف نکن؛ اگر از او خوشش نمی  
آید؛ آزادش کن و یا با استبدال و تبدیل نمودن خودت و او را راحت نما؛ و چون  
از او خوشش نمی آید؛ مخلوق خداوند را مورد آزار و اذیت قرار نده و قوتی  
نیست مگر به قوت پروردگار توانا.

فَحَقُّ أُمِّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَأَطْعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُطْعِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَأَنَّهَا وَقَّتْكَ بِسَمْعِهَا وَبَصَرِهَا وَيَدِهَا وَرِجْلِهَا وَشَعْرِهَا وَبَشَرِهَا وَجَمِيعِ جَوَارِحِهَا مُسْتَنْبِشِرَةً بِذَلِكَ فَرِحَةً مُوَابِلَةً مُحْتَمِلَةً لِمَا فِيهِ مَكْرُوهُهَا وَالْمُهَا وَتَقْلُهَا وَغَمَّهَا حَتَّى دَفَعَتْهَا عَنْكَ يَدُ الْقُدْرَةِ وَأَخْرَجَتْكَ إِلَى الْأَرْضِ فَرَضِيَّتْ أَنْ تَشْبَعَ وَتَجُوعَ هِيَ وَتَكْسُوكَ وَتَعْرَى وَتُرْوِيكَ وَتَظْمَأَ وَتُظْلِكَ وَتَضْحَى وَتُنَعِّمَكَ بِبُؤْسِهَا وَتَلَذِّذَكَ بِالنُّومِ بِأَرْقِهَا وَكَانَ بَطْنُهَا لَكَ وَعَاءً وَحَجْرُهَا لَكَ حِوَاءً وَتَدْبُهَا لَكَ سِقَاءً وَنَفْسُهَا لَكَ وَقَاءً تَبَاشِرُ حَرَّ الدُّنْيَا وَبَرْدَهَا لَكَ وَدُونَكَ فَتَشْكُرُهَا عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ

ترجمه:

اما حق مادر بر تو آنست که بدانی او حمل کرده است ترا نه ماه طوریکه هیچ کس حاضر نیست این چنین دیگری را حمل کند و به تو شیره جاننش را خورانده است قسمی که هیچ کس دیگر حاضر نیست اینکار را انجام دهد و با تمام وجود؛ با گوشش چشمش؛ دستش؛ پایش؛ مویش؛ پوست بدنش و جمیع اعضا و جوارحش ترا حمایت و مواظبت نموده است و اینکار را از روی شوق و عشق انجام داده و رنج و درد و غم و گرفتاری دوران بارداری را به خاطر تو تحمل نموده است؛ تا وقتی که خدای متعال ترا از عالم رحم به عالم خارج انتقال داد.

پس این مادر بود که حاضر بود گرسنه بماند و توسیر باشی؛ برهنه بماند و تو لباس داشته باشی؛ تشنه بماند و تو سیراب باشی؛ در آفتاب بنشیند تا تو در سایه او آرام استراحت کنی؛ ناراحتی را تحمل کند تا تو در نعمت و آسایش به

زندگی ادامه داده و رشد نمائی و در اثر نوازش او به خواب راحت و استراحت  
لذیذ دست یابی.

شکم او خانهء تو و آغوش او گهواره تو و سینه او سیراب کننده تو و خود او  
حافظ و نگهدارنده تو بود؛ سردی و گرمی دنیا را تحمل میکرد؛ تا تو در  
آسایش و ناز و نعمت زندگی کنی.

پس شکر گزار مادر باش به اندازهء که برای تو زحمت کشیده است؛ و نمی  
توانی از او قدر دانی مگر به عنایت و توفیق خداوند متعال.

## ۲۲- حق پدر

وَأَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ أَصْلُكَ وَ أَنَّكَ فَرْعُهُ وَ أَنَّكَ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ فَفَهَّمَا  
رَأَيْتَ فِي نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النِّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ وَ أَحْمَدِ اللَّهَ  
وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق پدرت بر تو آنست که بدانی او اصل و ریشه تست؛ و تو فرع و شاخه او هستی؛ و اگر او نبود تو نبودی؛ پس هر وقت در خودت چیزی می بینی که موجب پیدا شدن غرور در تو می گردد؛ متوجه باش که پدرت اصل و اساس آن نعمت است و خداوند را به خاطر این نعمت بزرگ ستایش کن و از او تشکر کن به اندازه نعمتی که به تو ارزانی نموده است و قوتی نیست مگر به قوت خداوند متعال.

## ۲۳- حق فرزند بر پدر و مادر

وَ أَمَّا حَقٌّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ  
وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى  
طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُثَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلَ الْمُتَزَيِّنِ  
بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعْذِرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ  
عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

حق فرزند تو آنست که بدانی او از توست و در این جهان در نیک و بد خویش وابسته توست و با تو نسبت به پرورش دادن خوب و راهنمایی کردن او به راه پروردگارش و یاری رساندن به او در اطاعت خداوند هم درباره خودت و هم حق او مسئول هستی و بر اساس این مسئولیت پاداش میگیری و کیفر میبینی پس در کار فرزند همچون کسی عمل کن که کارش را در این دنیا به حسن اثر خویش آراسته میکند و تو به سبب حسن رابطه میان خود و او و سرپرستی خوبی که از او کرده ای و نتیجه الهی که از او گرفته ای نزد پروردگار خویش معذور باشی و قوتی نیست مگر قوت خداوند متعال.



وَ أَمَّا حَقَّ أَخِيكَ فَتَعَلَّمُ أَنَّهُ يَدُكَ الَّتِي تَبْسُطُهَا وَ ظَهْرُكَ الَّذِي تَلْتَجِيءُ إِلَيْهِ - وَ عَزَّكَ الَّذِي تَعْتَمِدُ عَلَيْهِ وَ قُوَّتَكَ الَّتِي تَصُولُ بِهَا فَلَا تَتَّخِذْهُ سِلَاحاً عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ لَا عُدَّةً لِلظُّلْمِ بِحَقِّ اللَّهِ وَ لَا تَدْعُ نُصْرَتَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَعُونَتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَ الْحَوْلَ وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ شَيْطَانِهِ وَ تَأْدِيبَةَ النَّصِيحَةِ إِلَيْهِ وَ الْإِقْبَالَ عَلَيْهِ فِي اللَّهِ فَإِنْ انْقَادَ لِرَبِّهِ وَ أَحْسَنَ الْإِجَابَةَ لَهُ وَ إِلَّا فَلْيَكُنِ اللَّهُ آثَرَ عِنْدَكَ وَ أَكْرَمَ عَلَيْكَ مِنْهُ.

ترجمه :

اما حق برادرت آنست که دست و بازوی قدرت تو و پشت و پناه تو میباشد و باعث توست که متکی به او هستی و نیرو و توان تو میباشد که بدان وسیله - به دشمن - حمله میبری پس مبادا از او در راه معصیت خدا بعنوان اسلحه استفاده کنی و همچنین ابزاری در راه ظلم و پایمال کردن حق خدا قرار دهی کمک و یاری او در مقابل هوای نفس و پشتیبانی از وی در مقابل دشمن را ترک مکن با این همه اگر او مطیع امر پروردگارش بود و دستور را بخوبی پذیرا بود چه بهتر و اگر نه باید خداون نزد تو مقدم بر او و عزیزتر از او باشد...

## ۲۵- حق کسی که بر تو احسان نموده است

وَأَمَّا حَقُّ الْمُنْعِمِ عَلَيْكَ بِالْوَلَاءِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَنْفَقَ فِيكَ مَالَهُ وَ أَخْرَجَكَ مِنْ ذُلِّ الرِّقِّ وَ وَحْشَتِهِ إِلَى عِزِّ الْحُرِّيَّةِ وَ أَنْسَهَا وَ أَطْلَقَكَ مِنْ أَسْرِ الْمَلَكََةِ وَ فَكَّ عَنْكَ حَلِقَ الْعُبُودِيَّةِ وَ أَوْجَدَكَ رَائِحَةَ الْعِزِّ وَ أَخْرَجَكَ مِنْ سِجْنِ الْقَهْرِ وَ دَفَعَ عَنْكَ الْعُسْرَ وَ بَسَطَ لَكَ لِسَانَ الْإِنصَافِ وَ أَبَاحَكَ الدُّنْيَا كُلَّهَا فَمَلَكَكَ نَفْسَكَ وَ حَلَّ أَسْرَكَ وَ فَرَّغَكَ لِعِبَادَةِ رَبِّكَ وَ احْتَمَلَ بِذَلِكَ التَّقْصِيرَ فِي مَالِهِ فَتَعْلَمَ أَنَّهُ أَوْلَى الْخَلْقِ بِكَ بَعْدَ أَوْلَى رَحِمِكَ فِي حَيَاتِكَ وَ مَوْتِكَ وَ أَحَقُّ الْخَلْقِ بِنَصْرِكَ وَ مُعُونَتِكَ وَ مُكَانَفَتِكَ فِي ذَاتِ اللَّهِ فَلَا تُؤْثِرْ عَلَيْهِ نَفْسَكَ مَا احتَاجَ إِلَيْكَ

ترجمه:

اما حق کسی که ترا کمک نموده است به خاطر دوستی یا ملک یا قرابت و..... بر تو آنست که بدانی او از مالش گذشته و با صرف مال ترا؛ از ذلت بندگی و بردگی دیگران و وحشت آن نجات داده است و مزه آزادی و آسایش را به تو چشانیده است و ترا از اسارت دیگران رها نموده؛ و زنجیرهای بردگی را از تو باز نموده و بوی خوش عزت و آزادی را به مشام تو رسانیده است. او ترا از زندان قهر و جبر بیرون آورده و عسر حرج و سختی را از تو دور نموده و با خوشی و خوشروئی و زبان انصاف با تو سخن گفته و تمام دنیا را (به جهت احسانی که نموده است) به تو بخشیده است و ترا فارغ البال ساخته که به عبادت پروردگارت پردازی و در این راستا ضرر مالی را تقبل و تحمل نموده است.

بدان که او نزدیک ترین مخلوق خداوند است نسبت به تو بعد از پدر و مادر و برادر و خواهرت و سزاوارتر از دیگران است که در مواقع لزوم به کمک او

بشتابی و به خاطر خدا و احسانی که برای تو نموده است یاریش نمائی و  
خودت را هیچ وقت در اموری که مورد نیاز اوست مقدم ننمائی.

## ۲۶- حق آزاد کرده

وَ أَمَّا حَقُّ مَوْلَاكَ الْجَارِيَةِ عَلَيْهِ نِعْمَتُكَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَكَ حَامِيَةً عَلَيْهِ وَ  
وَاقِيَةً وَ نَاصِراً وَ مَعْقِلاً وَ جَعَلَهُ لَكَ وَسِيلَةً وَ سَبَباً بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ فَبِالْحَرِيِّ أَنْ  
يَحْجُبَكَ عَنِ النَّارِ فَيَكُونَ فِي ذَلِكَ ثَوَابٌ مِنْهُ فِي الْأَجْلِ وَ يَحْكُمُ لَكَ بِمِيرَاثِهِ فِي  
الْعَاجِلِ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ رَحِمٌ مُكَافَأَةً لِمَا أَنْفَقْتَهُ مِنْ مَالِكَ عَلَيْهِ وَ قُمتَ بِهِ مِنْ حَقِّهِ  
بَعْدَ إِنْفَاقِ مَالِكَ فَإِنْ لَمْ تَقْمُ بِحَقِّهِ خِيفَ عَلَيْكَ أَنْ لَا يَطِيبَ لَكَ مِيرَاثُهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا  
بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسی که تو به او کمک کرده ای به خاطر دوستی یا ملک یا قرابت  
پس بدان که خداوند ترا نگهدارنده و یاری کننده و حامی و آزاد کننده او قرار  
داده است و او را وسیله و سبب تقرب تو به خداوند متعال.

اگر چنانچه تو به او کمک نمایی خداوند در آخرت ترا از آتش جهنم دور  
خواهد نمود و در دنیا (اگر شخص مذکور وارثی نداشته باشد) میراثش به تو  
تعلق خواهد گرفت و

اگر ارثی از او باقی نماند یا وارث داشته باشد؛ خداوند متعال؛ از جای دیگر  
بر مال و دارائی تو می افزاید و این به جهت پاداشی که خداوند برای تو در نظر  
گرفته است. و قوتی نیست مگر بخداوند متعال.

## ۲۷- حق کسیکه کار خوبی برای تو نموده است

وَ أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنْ تَشْكُرُهُ وَ تَذْكُرَ مَعْرُوفَهُ وَ تَنْشُرَ لَهُ الْمَقَالَاتَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصَ لَهُ الدَّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً ثُمَّ إِنَّ أَمْكَنَ مُكَافَأَتَهُ بِالْفِعْلِ كَافَأَتَهُ وَ إِلَّا كُنْتَ مُرْصِداً لَهُ مُوَطَّئاً نَفْسَكَ عَلَيْهَا

ترجمه:

اما حق کسیکه برای تو کار خوبی انجام داده است؛ آن است که از او تشکر و سپاس گزاری نموده خوبیش را فراموش نکنی؛ و خوبیش را منتشر نمائی و در حق او مخلصانه دعا کنی؛ که اگر چنین نمودی؛ در ظاهر و پنهان شکر گزاری نموده ای و اگر میتوانی خوبی او را با خوبی جبران نما و چنانچه او فعلاً نیازمند کمک نیست متوجه و مراقب باش تا اگر مشکلی پیدا کرد فوراً برای رفع مشکلش اقدام نمائی.

وَ أَمَّا حَقُّ الْمُؤَدِّنِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ مُذَكَّرُكَ بِرَبِّكَ وَ دَاعِيكَ إِلَى حَظِّكَ وَ أَفْضَلُ  
 أَعْوَانِكَ عَلَى قَضَاءِ الْفَرِيضَةِ الَّتِي افْتَرَضَهَا اللَّهُ عَلَيْكَ فَتَشْكُرُهُ عَلَى ذَلِكَ شُكْرَكَ  
 لِلْمُحْسِنِ إِلَيْكَ وَ إِنْ كُنْتَ فِي بَيْتِكَ مُهْتَمًّا لِذَلِكَ لَمْ تَكُنْ لِلَّهِ فِي أَمْرِهِ مُتَّهِمًا وَ  
 عَلِمْتَ أَنَّهُ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ لَا شَكَّ فِيهَا فَأَحْسِنُ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ بِحَمْدِ اللَّهِ  
 عَلَيْهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسیکه اذان میگوید و مومنان را متوجه وقت نماز می سازد؛ آنست  
 که بدانی؛ اذان گو به یاد آورنده خداوند در دلها و دعوت کننده تو به سوی سود  
 و فایده می باشد؛ او بهترین یاری کننده بر انجام فریضه ایست که خداوند بر تو  
 واجب نموده است؛ پس باید از او به خاطر این کار نیکش تشکر کنی؛ و اگر در  
 دل نسبت به بعضی از کارهای او بدبین هستی؛ در این قضیه باید خوشبین بوده  
 و او را به چیزی متهم نکنی که او نعمتی از نعمتهای خداوند است؛ و با نعمت  
 خداوند باید برخورداردی نیکو و شایسته داشته و شکر گزار پروردگار خویش  
 باشی

## ۲۹- حق امام جماعت

وَ أَمَّا حَقَّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُ قَدْ تَقَلَّدَ السَّفَارَةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ  
اللَّهِ وَ الْوَفَادَةَ إِلَى رَبِّكَ وَ تَكَلَّمَ عَنْكَ وَ لَمْ تَتَكَلَّمْ عَنْهُ وَ دَعَا لَكَ وَ لَمْ تَدْعُ لَهُ وَ  
طَلَبَ فِيكَ وَ لَمْ تَطْلُبْ فِيهِ وَ كَفَاكَ هَمَّ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ الْمُسَاءَلَةَ لَهُ فِيكَ وَ  
لَمْ تَكْفِهِ ذَلِكَ فَإِنْ كَانَ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ تَقْصِيرٌ كَانَ بِهِ ذُنُوبَكَ وَ إِنْ كَانَ آثِمًا لَمْ  
تَكُنْ شَرِيكُهُ فِيهِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَيْكَ فَضْلٌ فَوْقَى نَفْسِكَ بِنَفْسِهِ وَ وَقَى صَلَاتَكَ  
بِصَلَاتِهِ فَتَشْكُرْ لَهُ عَلَى ذَلِكَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسیکه امام تو در نمازت می باشد؛ پس باید بدانی که او سفارت بین  
تو و خدایت را به عهده گرفته است و در میهمانی که میزبان آن خداوند می  
باشد؛ او از طرف تو سخن میگوید و تو از طرف او سخن نمی گوئی و او برای  
تو دعا می کند و تو برای او دعا نمی کنی و او برای تو میخواهد و تو برای او  
نمی خواهی و اوست که کفایت می کند ترا در این حضور در برابر خداوند و تو  
او را کفایت نمی کنی.

حال اگر در انجام این اعمال تقصیری باشد؛ او مقصر است نه تو و اگر  
مرتکب گناهی شود تو شریک او حساب نمی شوی و تو را بر او فضل و برتری  
نخواهد بود.

و چون حفظ می کنی خودت را در پناه او و حفظ می کنی نمازت را در پناه  
نماز او پس او را سپاس گزار باش؛ و به خاطر خدمتی که برای تو انجام می  
دهد از او تشکر کن؛ و قوتی نیست مگر به خداوند متعال.

وَ أَمَّا حَقَّ الْجَلِيسِ فَأَنْ تُلِينَ لَهُ كَنَفَكَ وَ تُطِيبَ لَهُ جَانِبَكَ وَ تُنْصِفَهُ فِي مُجَارَاةِ  
اللَّفْظِ وَ لَا تُعْرِقَ فِي نَزْعِ اللَّحْظِ إِذَا لَحِظْتَ وَ تَقْصِدَ فِي اللَّفْظِ إِلَى إِفْهَامِهِ إِذَا لَفِظْتَ  
وَ إِنْ كُنْتَ الْجَلِيسَ إِلَيْهِ كُنْتَ فِي الْقِيَامِ عَنْهُ بِالْخِيَارِ وَ إِنْ كَانَ الْجَالِسَ إِلَيْكَ كَانَ  
بِالْخِيَارِ وَ لَا تَقُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق هم مجلس و هم نشین بر تو آنست که با کمال خوشروئی پزیرای او  
شده و با تواضع و طیب خاطر از او استقبال نمائی و اجازه دهی که او هم سخن  
گوید و تو متکلم وحده نباشی؛ از نگاهای متکبرانه و تحقیر آموز که با گوشه  
چشم صورت می گیرد پرهیز کن و وقتی سخن میگوئی قسمی سخن بگو که او  
بفهمد و اگر تو بر او وارد شده ای؛ اختیار با خودت هست که هر وقت بخواهی  
ترکش کنی و اگر او بر تو وارد شده است؛ اختیار با خودش هست که بخواهد  
مجالست با ترا ترک نماید. اما تو بدون اجازه او (در صورتی که او وارد بر تو  
باشد) حق نداری؛ که مجالست او را ترک نمائی.



وَأَمَّا حَقَّ الْجَارِ فَحِفْظُهُ غَائِبًا وَكَرَامَتُهُ شَاهِدًا وَنُصْرَتُهُ وَمُعُونَتُهُ فِي الْحَالَيْنِ جَمِيعًا لَا تَتَّبِعُ لَهُ عَوْرَةٌ وَلَا تَبْحَثُ لَهُ عَن سَوْءَةٍ لِتَعْرِفَهَا فَإِنْ عَرَفْتَهَا مِنْهُ عَن غَيْرِ إِرَادَةٍ مِنْكَ وَلَا تَكَلِّفِ كُنْتَ لِمَا عَلِمْتَ حِصْنًا حَصِينًا وَسِتْرًا سَتِيرًا لَوْ بَحَثْتَ الْأَسِنَّةَ عَنْهُ ضَمِيرًا لَمْ تَتَّصِلْ إِلَيْهِ لِأَنْطَوَائِهِ عَلَيْهِ لَا تَسْتَمِعْ عَلَيْهِ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ لَا تُسَلِّمُهُ عِنْدَ شَدِيدَةٍ وَلَا تَحْسُدُهُ عِنْدَ نِعْمَةٍ تُقِيلُ عَثْرَتَهُ وَتَغْفِرُ زَلَّتَهُ وَلَا تَدْخِرُ حِلْمَكَ عَنْهُ إِذَا جَهَلَ عَلَيْكَ وَلَا تَخْرُجَ أَنْ تَكُونَ سَلِيمًا لَهُ تَرُدُّ عَنْهُ لِسَانَ الشَّيْئِمَةِ وَتُبْطِلُ فِيهِ كَيْدَ حَامِلِ النَّصِيحَةِ وَتُعَاشِرُهُ مُعَاشِرَةَ كَرِيمَةٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق همسایه پس بر تو واجب است که حافظ منافع او در غیابش و حافظ کرامت او در حضورش باشی؛ و در هردو حال (حضور و غیاب) یار و مددگار او باشی برای یافتن عیبهای او تجسس نکن و اگر ناخود آگاه و بدون قصد متوجه عیبی در او شدی؛ چون دژ محکم و پرده زخمی باش و عیب او را بیوشان طوریکه هیچ کس به هیچ عنوان متوجه آن عیب از ناحیه تو نشود. در گرفتاری تنهاتش نگزار و اگر خداوند به او نعمتی عطا کرد حسد نوز؛ لغزشهایش را ببخش و از خطاهایش درگزر؛ اگر گاهی از روی نادانی حرکت نادرستی نسبت به تو انجام داد با حلم و بردباری برخورد کن و همیشه با او در صلح و صفا باش.

مگزار دیگران او را بد گویند و بدیها و عیبهای او را اینجا و آنجا نقل نمایند؛ از خیانت به او ممانعت کن و اگر کسی حرف بدی یا سخن زشتی را به او نسبت

داد باور نکن. با همسایه ات معاشرت نیکو و انسانی داشته باش. و قوتی نیست  
مگر به خداوند متعال.

## ۳۲- حق هم صحبت

وَأَمَّا حَقُّ الصَّاحِبِ فَإِنْ تَصَحَّبَهُ بِالْفَضْلِ مَا وَجَدْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَإِلَّا فَلَا أَقْلَ مِنَ  
الْإِنصَافِ وَ أَنْ تُكْرِمَهُ كَمَا يُكْرِمُكَ وَ تَحْفَظُهُ كَمَا يَحْفَظُكَ وَ لَا يَسْبِقَكَ فِيمَا بَيْنَكَ  
وَ بَيْنَهُ إِلَى مَكْرَمَةٍ فَإِنْ سَبَقَكَ كَافَأْتَهُ وَ لَا تُقْصِرَ بِهِ عَمَّا يَسْتَحِقُّ مِنَ الْمَوَدَّةِ تُلْزِمُ  
نَفْسَكَ نَصِيحَتَهُ وَ حَيَاطَتَهُ وَ مُعَاذَتَهُ عَلَى طَاعَةِ رَبِّهِ وَ مَعُونَتَهُ عَلَى نَفْسِهِ فِيمَا لَا  
يُهُمُّ بِهِ مِنْ مَعْصِيَةِ رَبِّهِ ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِ رَحْمَةً وَ لَا تَكُونُ عَلَيْهِ عَذَابًا وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا  
بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق رفیق و هم صحبت بر تو آنست که اگر علم و کمالی داری و میتوانی  
با او قسمی صحبت کنی که از تو استفاده کند و بیاموزد پس صحبت کن و گرنه  
اجازه بده او صحبت کند تا تو استفاده کنی و احترامش را نگه دار همانطوریکه  
دوست داری او احترام ترا حفظ کند.

کوشش کن که در کارهای نیک و رساندن فائده همیشه پیش قدم باشی و اگر  
او پیشی گرفت و نفعی به تو رساند تو هم به بهترین وجه تلافی کن و در دوستی  
و محبت با او کوتاهی نکن؛ بر خودت لازم بدان که او را نصیحت کنی و در  
گرفتاریها و بلاها از او به قدر توان محافظت نمائی و در تمام موارد یار و یاور  
او باش؛ مگر اینکه میل به طرف معصیت و گناه نماید که در این صورت باید  
او را باز داری و برای او رحمت باش؛ نه عذاب و نقت و نیست قوتی مگر به  
خداوند متعال.

### ۳۳- حق شریک

وَ أَمَّا حَقَّ الشَّرِيكِ فَإِنْ غَابَ كَفَيْتَهُ وَ إِنْ حَضَرَ سَاوَيْتَهُ وَ لَا تَعَزِّمُ عَلَى حُكْمِكَ  
دُونَ حُكْمِهِ وَ لَا تَعْمَلُ بِرَأْيِكَ دُونَ مُنَازَرَتِهِ وَ تَحْفَظُ عَلَيْهِ مَالَهُ وَ تَنْفِي عَنْهُ خِيَانَتَهُ  
فِيمَا عَزَّ أَوْ هَانَ فَإِنَّهُ بَلَّغْنَا أَنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الشَّرِيكَيْنِ مَا لَمْ يَتَخَاوَنَا وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا  
بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق شریک آنست که در غیابش کفایتش کنی و در حضورش خود را با او مساوی حساب نمائی و هیچ وقت بدون تصمیم او تصمیم نگیری و به نظر خود بدون مشورهء با او عمل نکنی. حافظ مالش باشی؛ و از خیانت به او در امور بزرگ و کوچک پرهیز نمائی زیرا که به ما رسیده است " دست خداوند با شرکاء است؛ تا وقتی که به هم دیگر خیانت نکنند " و قوتی نیست مگر به خداوند متعال.

### ۳۴- حق مال

وَأَمَّا حَقُّ الْمَالِ فَإِنَّ لَّا تَأْخُذُهُ إِلَّا مِنْ حِلِّهِ وَ لَّا تُنْفِقُهُ إِلَّا فِي حِلِّهِ وَ لَّا تُحَرِّفُهُ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ لَّا تُصْرِفُهُ عَنْ حَقَائِقِهِ وَ لَّا تَجْعَلُهُ إِذَا كَانَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ وَ سَبَبًا إِلَى اللَّهِ وَ لَّا تُؤْثِرَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ مِنْ لَعَلِّهِ لَّا يَحْمَدُكَ وَ بِالْحَرِيِّ أَنْ لَّا يُحْسِنَ خِلَافَتَهُ فِي تَرْكِتِكَ وَ لَّا يَعْمَلَ فِيهِ بِطَاعَةِ رَبِّكَ فَتَكُونَ مُعِينًا لَهُ عَلَى ذَلِكَ أَوْ بِمَا أَخَذَتْ فِي مَالِكَ أَحْسَنَ نَظْرًا لِنَفْسِهِ فَيَعْمَلَ بِطَاعَةِ رَبِّهِ فَيَذْهَبَ بِالْغَنِيمَةِ وَ تَبَوَّءَ بِالْإِثْمِ وَ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةَ مَعَ التَّبِعَةِ وَ لَّا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق مال و دارائی به گردن تو آنست که از حلال کسب نموده و به حلال مصرف کنی و از آن استفادهء صحیح نمائی که خیر دنیا و آخرت را به دنبال داشته باشد. وقتی آنچه داری از آن خداوند است پس آنرا وسیله و سبب تقرب به خداوند قرار ده و مالت را عزیز تر از جانت حساب نکن که برای ترقیات مادی و معنویت از آن استفاده نکنی؛ و در نتیجه آنرا برای کسی بگزاری که هرگز به فکر تو نباشد و از مال تو که به او رسیده است؛ استفادهء غلط و حرام نماید و تو در این کار شریک جرم او محسوب گردی؛ و اگر استفادهء صحیح و درست نماید پس سود و فائده از آن او باشد و گناه و حیرت و ندامت و عذاب آخرت از آن تو و قوتی نیست مگر به خداوند متعال.

### ۳۵- حق طلبکار

وَ أَمَّا حَقَّ الْغَرِيمِ الطَّالِبِ لَكَ فَإِنْ كُنْتَ مُوسِرًا أَوْفَيْتَهُ وَ كَفَيْتَهُ وَ أَعْنَيْتَهُ وَ لَمْ تَرُدَّهُ وَ تَمَطَّلَهُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ مَطَّلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ وَ إِنْ كُنْتَ مُعْسِرًا أَرْضَيْتَهُ بِحُسْنِ الْقَوْلِ وَ طَلَبْتَ إِلَيْهِ طَلِبًا جَمِيلًا وَ رَدَدْتَهُ عَنْ نَفْسِكَ رَدًّا لَطِيفًا وَ لَمْ تَجْمَعْ عَلَيْهِ ذَهَابَ مَالِهِ وَ سُوءَ مُعَامَلَتِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ لَوْمٌ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسیکه به تو قرض داده است و موعد پرداخت آن رسیده است؛ آنست که اگر توان پرداخت قرض را داری؛ بدون معطلی بپرداز و بیجهت مال مردم را نزد خود نگه ندار و اگر از تو قرض خود را می خواهد جواب رد به او نده زیرا که حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه واله وسلم فرمود: " تعلل در ادای قرض؛ و تاخیر در پرداخت آن ظلم است "؛ و اگر توان پرداخت آنرا نداری با عذر خواهی و طلب تمديد وقت قرض رضایت صاحب مال را بدست آور و با تشکر و تقدیر او را از خودت راضی بساز؛ نه اینکه هم قرضش را نپردازی و هم فحش و دشنام نثارش نمائی؛ که نشانهء پستی تو خواهد بود؛ و قوتی نیست مگر به خداوند متعال.

وَ أَمَّا حَقَّ الْخَلِيطِ فَإِنَّ لَا تَغْرَهُ وَلَا تَغْشُهُ وَلَا تَكْذِبُهُ وَلَا تُغْفَلُهُ وَلَا تَخْدَعُهُ وَلَا  
تَعْمَلُ فِي انْتِقَاضِهِ عَمَلَ الْعَدُوِّ الَّذِي لَا يَبْقَى عَلَى صَاحِبِهِ وَإِنْ أَطْمَأَنَّ إِلَيْكَ  
اسْتَقْصَيْتَ لَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَ عَلِمْتَ أَنَّ غَيْبَ الْمُسْتَرْسِلِ رَبًّا وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسیکه با تو معاشرت دارد آنست که ضرری به او وارد نساخته و از خیانت به اجتناب نمائی؛ سخنش را تکذیب نکرده و اغفالش نکنی و از خدعه و نیرنگ نسبت به پرهیز نمائی؛ چون دشمنان با او برخورد نکرده و اگر به تو اعتماد نمود؛ او را برخوردت مقدم بداری و بدان که ضرر رساندن به خاطر منافع خودت به کسیکه؛ بتو اعتماد نموده است؛ ربا قلمداد می شود و قوتی نیست مگر به خداوند متعال.

### ۳۷- حق مدعی

وَأَمَّا حَقَّ الْخَصْمِ الْمُدَّعِي عَلَيْكَ فَإِنْ كَانَ مَا يَدَّعِي عَلَيْكَ حَقًّا لَمْ تَنْفَسِخْ فِي حُجَّتِهِ وَ لَمْ تَعْمَلْ فِي إِبْطَالِ دَعْوَتِهِ وَ كُنْتَ خَصَمَ نَفْسِكَ لَهُ وَ الْحَاكِمَ عَلَيْهَا وَ الشَّاهِدَ لَهُ بِحَقِّهِ دُونَ شَهَادَةِ الشُّهُودِ فَإِنَّ ذَلِكَ حَقَّ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ إِنْ كَانَ مَا يَدَّعِيهِ بَاطِلًا رَفَقْتَ بِهِ وَ رَوَعْتَهُ وَ نَاشَدْتَهُ بِدِينِهِ وَ كَسَرْتَ حَدِيثَهُ عَنْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ وَ الْفَيْتَ حَشْوُ الْكَلَامِ وَ لَغَطُهُ الَّذِي لَا يَرُدُّ عَنْكَ عَادِيَةَ عَدُوِّكَ بَلْ تَبُوءُ بِإِثْمِهِ وَ بِهِ يَشْحَذُ عَلَيْكَ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ لِأَنَّ لَفْظَةَ السُّوِّ تَبَعَتْ الشَّرَّ وَ الْخَيْرُ مَقْمَعَةٌ لِلشَّرِّ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسیکه علیه تو اقامه دعوی نموده و خصم تو حساب میشود؛ آنست که اگر در دعوایش علیه تو صادق است و حق به طرف اوست؛ در پی بی اعتبار کردن حجت و دلیلش نباش و برای باطل نمودن دعوایش تلاش نکن؛ زیرا با وجدانت بلکه با خودت دشمنی کرده ای؛ برای آنکه وجدانت حکم به حق بودن طرف مقابلت مینماید و خودت بهترین شاهد و گواه هستی بر اینکه حق به طرف خصمت هست؛ پس حق را بدون چون و چرا بپذیر که پذیرفتن حق یکی از حقوق خداوند متعال بر عهده بندگان می باشد.

اما اگر در دعوایش کاذب است؛ با او مدارا کن؛ و او را از خدا بترسان و از هر مذهب و دینی که پیروی می کند برایش دلیل بیاور تا متوجه زشتی کارش شود و با یاد آوری عذاب قیامت و مرگ او را از راه باطل بر حذر دار. از سخنان منافی ادب و اخلاق پرهیز کن؛ زیرا دشمنی دشمن را بیشتر و تیغش را تیز تر نموده و موجب برانگیخته شدن شر خواهد شد؛ اما سخن خوب؛ شر را نابود می کند و قوتی نیست مگر به خداوند متعال.



### ۳۸- حق مدعی علیه

وَ أَمَّا حَقَّ الْخَصْمِ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ فَإِنْ كَانَ مَا تَدَّعِيهِ حَقًّا أَجْمَلْتَ فِي مُقَاوَلَتِهِ  
بِمَخْرَجِ الدَّعْوَى فَإِنَّ لِلدَّعْوَى غِلْظَةً فِي سَمْعِ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ وَ قَصْدَتْ قَصْدَ  
حُجَّتِكَ بِالرَّفْقِ وَ أَمَهْلِ الْمُهْلَةِ وَ أَيْبِنِ الْبَيَانَ وَ أَلْطَفِ اللَّطْفِ وَ لَمْ تَتَشَاغَلْ عَنِ  
حُجَّتِكَ بِمُنَازَعَتِهِ بِالْقِيلِ وَ الْقَالَ فَتَذْهَبَ عَنْكَ حُجَّتُكَ وَ لَا يَكُونُ لَكَ فِي ذَلِكَ  
دَرْكٌ وَ لَا قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسی که تو علیه او اقامه دعوی نموده ای بر تو آنست؛ که اگر در  
دعوایت برحق و صادق هستی با او به خوبی و مهربانی سخن بگو تا راهی برای  
حل و فصل دعوی و خصومت پیدا شود؛ زیرا کلمه دعوی و شکایت کلمه  
خوبی نیست و خصم تو از شنیدن این کلمه ناراحت می شود؛ پس حجت و  
برهانت را با رفق و مدارا برای او بازگو کن و اگر نیاز به فکر کردن داشت به او  
مهلت بده تا فکر کند.

### ۳۹- حق کسیکه از تو مشورت می‌خواهد

وَ أَمَّا حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ فَإِنْ حَضَرَكَ لَهُ وَجْهُ رَأَى جَهْدَتْ لَهُ فِي النَّصِيحَةِ وَ  
أَشْرَتْ عَلَيْهِ بِمَا تَعْلَمُ أَنَّكَ لَوْ كُنْتَ مَكَانَهُ عَمِلْتَ بِهِ وَ ذَلِكَ لِيَكُنْ مِنْكَ فِي رَحْمَةٍ  
وَ لِيَنْفِيَنَّ الْلَّيْنَ الْيُونُسُ الْوَحْشَةَ وَ إِنَّ الْغِلْظَ يُوحِشُ مَوْضِعَ الْأَنْسِ وَ إِنْ لَمْ  
يَحْضُرْكَ لَهُ رَأْيٌ وَ عَرَفْتَ لَهُ مَنْ تَثِقُ بِرَأْيِهِ وَ تَرْضَى بِهِ لِنَفْسِكَ دَلَّلْتَهُ عَلَيْهِ وَ  
أَرْشَدْتَهُ إِلَيْهِ فَكُنْتَ لَمْ تَأَلُهُ خَيْرًا وَ لَمْ تَدْخِرْهُ نَصْحًا وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسیکه از تو مشورت می‌خواهد؛ پس اگر نظر خوبی داری که برای او مفید باشد؛ در نصیحت و راهنمایی او کوتاهی نکن و راهی را پیش پای او بگذار که اگر خودت جای او بودی همان راه را می‌رفتی و با نرمی و خوش‌زبانی با او صحبت کن زیرا نرم سخن گفتن و مهربانی وحشت و ترس را تبدیل به انس و الفت می‌کند در حالیکه غلظت و تندبانی انس و محبت را مبدل بترس و وحشت می‌سازد و اگر چیزی به ذهنت نرسید تا او را راهنمایی کنی و کسی را می‌شناختی که خود به او اعتماد داشته و حاضر بودی به رای و نظرش عمل کنی او را بسوی همان شخص راهنمایی کن و در این صورت است که در مشورت دادن کوتاهی ننموده‌ای و راه صحیح و درست را از او پنهان نداشته‌ای و قوتی نیست مگر به خداوند متعال. با بیانی واضح او را متوجه حق خودت بگردان.

از قیل و قال و جار و جنجال بپرهیز؛ برای آنکه سبب بی‌ارزش شدن حجت و برهانت شده‌اجر و پاداش ترا ضایع می‌گرداند و قوتی نیست مگر به خداوند متعال.

#### ۴۰- حق کسیکه از او مشورت می‌خواهی

وَ أَمَّا حَقُّ الْمَشِيرِ عَلَيْكَ فَلَا تُتَّهَمُهُ فِيمَا لَا يُوَافِقُكَ عَلَيْهِ مِنْ رَأْيِهِ إِذَا أَشَارَ  
عَلَيْكَ فَإِنَّمَا هِيَ الْأَرْأُءُ وَ تَصَرَّفُ النَّاسِ فِيهَا وَ اخْتَلَفُوهُمْ فَكُنْ عَلَيْهِ فِي رَأْيِهِ  
بِالْخِيَارِ إِذَا اتَّهَمْتَ رَأْيَهُ فَأَمَّا تُهَمَّتُهُ فَلَا تَجُوزُ لَكَ إِذَا كَانَ عِنْدَكَ مِمَّنْ يَسْتَحِقُّ  
الْمُشَاوَرَةَ وَ لَا تَدْعُ شُكْرَهُ عَلَى مَا بَدَأَ لَكَ مِنْ إِشْخَاصِ رَأْيِهِ وَ حُسْنِ وَجْهِ  
مَشُورَتِهِ فَإِذَا وَافَقَكَ حَمِدْتَ اللَّهَ وَ قَبِلْتَ ذَلِكَ مِنْ أَخِيكَ بِالشُّكْرِ وَ الْإِرْصَادِ  
بِالْمُكَافَاةِ فِي مِثْلِهَا إِنْ فَرَعَ إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسیکه که از او مشورت می‌خواهی بر تو آنست که اگر در مشورت  
دادن؛ نظر او مطابق خواسته‌ء تو بود؛ او را به خیانت متهم نکنی زیرا که آراء و  
انظار بین مردم مختلف است و اختلاف آنان در آراء و نظریات امریست متداول  
و معمول.

البته تو کاملاً اختیار داری که نظر او را قبول نمائی یا رد کنی؛ و چنانچه نظر  
او را مطابق صواب ندیدی میتوانی اصل نظر را متهم کنی و ناصواب بخوانی؛ اما  
خود او را هرگز؛ چون تو او را اهل مشورت میدانستی و به همین جهت به او  
مراجعه نمودی.

اگر نظرش را عمل نمودی و به آنچه میخواستی رسیدی پس او را تشکر  
نموده و خدا را سپاس گزار باش و اگر روزی او به تو مراجعه کند و از تو  
مشورت بخواهد؛ تو نیز احسان نموده و او را به طور صحیح و به دور از خیانت  
راهنمائی کن و قوتی نیست مگر به خداوند متعال.

#### ۴۱- حق نصیحت شونده

وَ أَمَّا حَقَّ الْمُسْتَنْصِحِ فَإِنَّ حَقَّهُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَيْهِ النَّصِيحَةَ عَلَى الْحَقِّ الَّذِي تَرَى لَهُ  
أَنَّهُ يَحْمِلُ وَ تَخْرُجَ الْمَخْرَجَ الَّذِي يَلِينُ عَلَى مَسَامِعِهِ وَ تُكَلِّمَهُ مِنَ الْكَلَامِ بِمَا يُطِيقُهُ  
عَقْلُهُ فَإِنَّ لِكُلِّ عَقْلٍ طَبَقَةً مِنَ الْكَلَامِ يَعْرِفُهَا وَ يَجْتَنِبُهَا وَ لِيَكُنْ مَذْهَبُكَ الرَّحْمَةَ وَ لَا  
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسیکه نصیحتش میکنی یا از تو خواسته است که نصیحتش کنی بر  
تو آنست که: او را صحیح و به حق نصیحت نمائی و چیزی بگویی که او بتواند  
به آن عمل کند و از حد توان و قدرتش بیرون نباشد؛ و قسمی با او سخن بگویی  
که در خور فهم و درک او باشد زیرا که همه از نظر تعقل و فکر در یک حد  
نیستند بلکه هر انسانی دارای مرتبه ای از عقل می باشد و روشست در حال  
نصیحت کردن نرم؛ و گفتارت نیز دوستانه باشد و قوتی نیست مگر به خداوند  
متعال.

## ۴۲- حق نصیحت کننده

وَ أَمَّا حَقُّ النَّاصِحِ فَإِنْ تُلِينَ لَهُ جَنَاحَكَ ثُمَّ تَشْرَبُ لَهُ قَلْبَكَ وَ تَفْتَحُ لَهُ سَمْعَكَ حَتَّى تَفْهَمَ عَنْهُ نَصِيحَتَهُ ثُمَّ تَنْظُرُ فِيهَا فَإِنْ كَانَ وَفَّقَ فِيهَا لِلصَّوَابِ حَمِدْتَ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَ قَبِلْتَ مِنْهُ وَ عَرَفْتَ لَهُ نَصِيحَتَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ وَفَّقَ لَهَا فِيهَا رَحِمْتَهُ وَ لَمْ تَتَّهَمْهُ وَ عَلِمْتَ أَنَّهُ لَمْ يَأْلُكَ نَصْحًا إِلَّا أَنَّهُ أَخْطَأَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عِنْدَكَ مُسْتَحِقًّا لِلتَّهْمَةِ - فَلَا تَعْبَأْ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسیکه که ترا نصیحت می کند آنست که در برابر او متواضع باشی و با شنیدن نصیحتهایش قلبت را سیراب کنی؛ و گوشت را در اختیار او قرار دهی تا هرچه میگوید متوجه شوی؛ بعد از شنیدن در گفتار او تفکر کن چنانچه نصایحش را درست و صواب دیدی بیزیر؛ و خداوند را به خاطر این نعمت شاکر باش؛ و چنانچه آنرا نا صواب یافتی؛ ضمن تشکر با مهربانی از کنارش بگذر و او را متهم نکن زیرا که میدانی او قصد نصیحت داشت نه چیز دیگر اما اشتباه کرده است؛ مگر اینکه او را از قبل می شناسی و میدانی که او آدم خیر خواهی نیست؛ در این صورت به نصیحت او اعتناء و اعتماد نکن.

## ۴۳- حق بزرگترها

وَأَمَّا حَقُّ الْكَبِيرِ فَإِنَّ حَقَّهُ تَوْقِيرُ سِنِّهِ وَاجْتِلَالُ إِسْلَامِهِ إِذَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْفَضْلِ فِي الْإِسْلَامِ بِتَقْدِيمِهِ فِيهِ وَتَرْكُ مُقَابَلَتِهِ عِنْدَ الْخِصَامِ وَلَا تَسْبِقُهُ إِلَى طَرِيقٍ وَلَا تَأْتِيهِ فِي طَرِيقٍ وَلَا تَسْتَجْهَلُهُ وَإِنْ جَهَلَ عَلَيْكَ تَحَمَّلْتَ وَأَكْرَمْتَهُ بِحَقِّ إِسْلَامِهِ مَعَ سِنِّهِ فَإِنَّمَا حَقُّ السَّنِّ بِقَدْرِ الْإِسْلَامِ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق بزرگتر بر تو آنست که او را به خاطر سنش احترام نمائی و چنانچه فضل و سابقه در اسلام دارد مورد تکریم و تجلیلش قرار دهی و بر خود مقدم داری و اگر با تو به منازعه پرداخت با او مقابله نکنی و اگر در راهی همراه بودید؛ از او سبقت نگیری و پیش روی او حرکت نکنی و چنانچه به مطلبی جاهل بود؛ جهلش را به رخس نکشی و اگر او ترا جاهل خواند تحمل نموده به خاطر اسلام و سنش گزشت کنی؛ زیرا حق سن باندازهء حق سابقه در اسلام است و قوتی نیست مگر به خداوند متعال.

#### ۴۴- حق کوچکترها

وَأَمَّا حَقَّ الصَّغِيرِ فَرَحْمَتُهُ وَتَنْقِيْفُهُ وَتَعْلِيمُهُ وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالسُّتْرُ عَلَيْهِ وَالرَّفْقُ بِهِ وَالْمَعُونَةُ لَهُ وَالسُّتْرُ عَلَى جَرَائِرِ حَدَاثِهِ فَإِنَّهُ سَبَبٌ لِلتَّوْبَةِ وَالْمُدَارَاةُ لَهُ وَتَرْكُ مُمَاحَكَتِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى لِرُشْدِهِ

ترجمه:

اما حق کوچکتر بر بزرگتر آنست که نسبت به او مهربان بوده در تربیت و تعلیم او بکوشد؛ خطاهایش را نادیده گرفته عیبش را بر او بپوشاند؛ با او به مدارا رفتار نموده و در مشکلات کمکش نماید؛ و چون به خاطر حوادث سن و جوانی؛ اعمال و حرکات نا بخردانه از او سرزنند؛ مستور نگه دارد زیرا که سبب توبه او خواهد شد و با او نزاع و مخاصمه نکند که مانع رشد او می شود.

#### ۴۵- حق کسیکه از تو کمک می خواهد

وَ أَمَّا حَقَّ السَّائِلِ فَأَعْطَاؤُهُ إِذَا تَيَقَّنْتَ صِدْقَهُ وَ قَدَرْتَ عَلَى سَدِّ حَاجَتِهِ وَ الدَّعَاءُ لَهُ فِيمَا نَزَلَ بِهِ وَ الْمُعَاوَنَةُ لَهُ عَلَى طَلِبَتِهِ وَ إِنْ شَكَّكَتَ فِي صِدْقِهِ وَ سَبَقَتْ إِلَيْهِ التَّهْمَةُ لَهُ وَ لَمْ تَعْزِمْ عَلَى ذَلِكَ لَمْ تَأْمَنْ أَنْ يَكُونَ مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ أَرَادَ أَنْ يَصُدِّكَ عَنْ حَظِّكَ وَ يَحُولَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ التَّقَرُّبِ إِلَى رَبِّكَ فَتَرَكْتَهُ بِسِتْرِهِ وَ رَدَدْتَهُ رَدًّا جَمِيلًا وَ إِنْ غَلَبَتْ نَفْسُكَ فِي أَمْرِهِ وَ أَعْطَيْتَهُ عَلَى مَا عَرَضَ فِي نَفْسِكَ مِنْهُ - فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

ترجمه:

اما حق کسیکه از تو کمک می خواهد آنست که اگر در قدرت و توانت هست برای رفع نیازش اقدام نموده و حاجتش را برآورده سازی؛ اگر صدقه آماده داری به او عطا نموده و برای رفع گرفتاریش در حقش دعا کن؛ چنانچه در صدق گفتارش شک و تردید در دلت پیدا شد و گمان بردی که دروغ می گوید پس به این شک و گمان اعتناء نموده و بدان که بعید نیست؛ این شک و گمان از وسوسه های شیطان باشد که می خواهد ترا از این ثواب محروم نموده و مانع تقرب تو به پروردگارت شود. پس اگر چیزی به او ندادی؛ محترمانه و بدون آنکه خوارش کنی با سخنان زیبا و نرم که او را آزرده خاطر نسازد جوابش کن.

چنانچه بر شکت غالب آمدی و علی رغم آنچه در دلت گزشته است کمکش نمودی بدان که این از کارهای مهم و قابل اطمینان است.



#### ۴۶- حق کسیکه تو از او کمک میخواهی

وَ أَمَّا حَقُّ الْمَسْئُولِ فَحَقُّهُ إِنْ أُعْطِيَ قَبْلَ مِنْهُ مَا أُعْطِيَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ الْمَعْرِفَةِ  
لِفَضْلِهِ وَ طَلَبِ وَجْهِ الْعُذْرِ فِي مَنْعِهِ وَ أَحْسِنَ بِهِ الظَّنَّ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ إِنْ مَنَعَ فَمَالَهُ مَنَعَ  
وَ أَنْ لَيْسَ التَّشْرِيبُ فِي مَالِهِ وَ إِنْ كَانَ ظَالِمًا فَإِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ -

ترجمه:

اما حق کسیکه از او کمک خواسته ای پس حق او آنستکه؛ اگر چیزی ترا عطا کرد با تشکر و سپاس و قدر دانی بپذیری و اگر نخواست کمکت کند نسبت به او گمان بد پیدا نکن بلکه برایش عذری در ذهنت جستجو نموده و منعش را حمل بر آن کن و حسن ظن داشته باش و بدان که اگر او ترا منع کرده؛ از مال خودش به تو نداده است و کسی را به خاطر اینکه مالش را به دیگری نمیدهد؛ ملامت و سرزنش نمی کنند؛ و اگر با این کارش ظلم نموده است؛ پس انسان بسیار ظالم و کفران کننده نعمتهای خداوند متعال است.

#### ۴۷- حق کسیکه سبب خوشحالی تو شده است

وَأَمَّا حَقٌّ مَنْ سَرَّكَ اللَّهُ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ فَإِنْ كَانَ تَعَمَّدهَا لَكَ حَمِدَتَ اللَّهَ أَوْلًا  
ثُمَّ شَكَرْتَهُ عَلَى ذَلِكَ بِقَدْرِهِ فِي مَوْضِعِ الْجَزَاءِ وَكَافَأْتَهُ عَلَى فَضْلِ الْإِبْتِدَاءِ وَ  
أُرْصَدْتَ لَهُ الْمُكَافَأَةَ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ تَعَمَّدهَا حَمِدَتَ اللَّهَ وَشَكَرْتَهُ وَعَلِمْتَ أَنَّهُ مِنْهُ  
تَوَحَّدَكَ بِهَا وَأَحْبَبْتَ هَذَا إِذْ كَانَ سَبَبًا مِنْ أَسْبَابِ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَتَرْجُو لَهُ بَعْدَ  
ذَلِكَ خَيْرًا فَإِنَّ أَسْبَابَ النِّعَمِ بَرَكَةٌ حَيْثُ مَا كَانَتْ وَإِنْ كَانَ لَمْ يَتَعَمَّدْ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا  
بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسیکه خداوند او را سبب سرور و خوشحالی تو قرار داده است پس  
اگر با آگاهی و خواسته خودش ترا مسرور نموده است خداوند را ستایش نموده  
و بعد از حمد و ثنای الهی از آن شخص به اندازه ارزش کارش قدر دانی کن؛  
زیرا که که برتری عمل او از آنجهت است که اول اقدام نموده است؛ مراقب باش  
تا تو نیز در او سبب سرور و خوشحالی شوی.

و اگر ناخود آگاه و بدون قصد سبب شده است؛ خدای را سپاسگزار باش و  
بدان که این نعمت از ناحیه اوست که ترا به آن اختصاص داده است؛ و شخصی  
را که سبب سرور تو شده است دوست بدار چون سببی از اسباب نعمتهای  
خداوند است و برای

او طلب خیر کن زیرا که اسباب نعمت هر جا باشد مایه برکت است؛ اگرچه  
بدون قصد باشد و قوتی نیست مگر به خداوند متعال.

#### ۴۸- حقی کسیکه بسبب او نکبتی به تو رسیده است

وَ أَمَّا حَقٌّ مَنْ سَاءَكَ الْقَضَاءُ عَلَى يَدَيْهِ بِقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ فَإِنْ كَانَ تَعَمَّدَهَا كَانَ الْعَفْوُ  
أَوْلَى بِكَ لِمَا فِيهِ لَهُ مِنَ الْقَمْعِ وَ حُسْنِ الْأَدَبِ مَعَ كَثِيرِ أَمْثَالِهِ مِنَ الْخَلْقِ فَإِنَّ اللَّهَ  
يَقُولُ وَ لَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ إِلَى قَوْلِهِ لَمَنْ عَزَمَ الْأُمُورَ  
وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ  
لِلصَّابِرِينَ هَذَا فِي الْعَمْدِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَمْدًا لَمْ تَظْلِمْهُ بِتَعَمُّدٍ الْإِنْتِصَارِ مِنْهُ فَتَكُونُ قَدْ  
كَافَأْتَهُ فِي تَعَمُّدٍ عَلَى خَطَاٍ وَ رَفَقْتَ بِهِ وَ رَدَدْتَهُ بِالطَّفِ مَا تَقَدَّرُ عَلَيْهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا  
بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسیکه بخاطر گفتار یا رفتارش؛ سبب نکبت و گرفتاری تو شده است آنستکه اگر از روی عمد و آگاهی بتو ضرر رسانیده است بهتر آنست که او را ببخشی زیرا عفو موجب می شود که از این کار در آینده دست بردارد و با خلق خدا مودبانه و بدون آزار برخورد نماید زیرا خداوند متعال می فرماید: (و کسی که بعد از مظلوم شدن یاری طلبد، ایرادی بر او نیست؛ ایراد و مجازات بر کسانی است که بر مردم ستم می کنند و در زمین به نا حق ظلم روا می دارند برای آنان عذاب دردناکی است؛ اما کسانی که شکیبائی و عفو کنند؛ این از کارهای پر ارزش است [شوری ۴۱/۴۳]). و هم چنین می فرماید: (و هرگاه خواستید مجازات کنید؛ تنها به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید! و اگر شکیبائی کنید این کار برای شکیبایان بهتر است [نحل ۱۲۶]).

این در صورتی است که عمدی در کار باشد.

اما اگر ضرری که به تو رسیده است غیر عمدی بوده باشد؛ از ستم بر او به نیت انتقام پرهیز کن تا ضرر عمدی به کسی که از روی خطا مرتکب عملی شده

است نرسانی. بلکه با او به رفق و مدارا رفتار کن؛ و خطایش را با مهربانی و  
لطفی که در توان داری پاسخ بده؛ وقوتی نیست مگر به خداوند متعال.

#### ۴۹- حق همه مسلمانان به طور عموم

وَأَمَّا حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَامَّةً فَاِضْمَارُ السَّلَامَةِ وَنَشْرُ جَنَاحِ الرَّحْمَةِ وَالرَّفْقُ بِمُسِيئِهِمْ وَتَأْلُفُهُمْ وَاسْتِصْلَاحُهُمْ وَشُكْرُ مُحْسِنِيهِمْ إِلَى نَفْسِهِ وَإِلَيْكَ فَإِنَّ إِحْسَانَهُ إِلَى نَفْسِهِ إِحْسَانُهُ إِلَيْكَ إِذَا كَفَّ عَنْكَ أَذَاهُ وَكَفَاكَ مُؤَنَّتَهُ وَحَبَسَ عَنْكَ نَفْسَهُ فَعَمَّهُمْ جَمِيعاً بِدَعْوَتِكَ وَانصُرَهُمْ جَمِيعاً بِنُصْرَتِكَ وَأَنْزَلْتَهُمْ أَنْزِلَهُمْ جَمِيعاً مِنْكَ مَنَازِلَهُمْ كَبِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَالِدِ وَصَغِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَالِدِ وَأَوْسَطَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْأَخِ فَمَنْ أَتَاكَ تَعَاهَدْتَهُ بِاللُّطْفِ وَرَحْمَةٍ وَصَلَّ أَخَاكَ بِمَا يَجِبُ لِلأَخِ عَلَى أُخِيهِ

ترجمه:

اما حق همه مسلمانان بر تو آنست که در دل نسبت به آنان کدورتی نداشته باشی و بالهای مهربانی و لطف را بر سر خطاکاران ایشان بیفشانی و به جهت اصلاح و ایجاد الفت بین آنها و خود بکوشی و شکر و سپاست را از نیکوکاران آنها دریغ نداری؛ کسانی که احسان و نیکی آنها برای خود شان و برای تست؛ زیرا که احسان آنها به خود شان احسان بتو نیز هست و قتیکه آزاری بتو نرسانند و ترا گرفتار دفع آن آزار نکنند و خود را از آسیب رساندن بتو دور نگه دارند. پس برای همه مسلمانان دعا کن و به یاری همه آنها بشتاب و همه را در مراتبی که دارند مورد عنایت و تکریم قرار ده.

## ۵۰- حق غیر مسلمانانی که در حال جنگ با مسلمانان نباشند

وَ أَمَّا حَقُّ أَهْلِ الذِّمَّةِ فَاَلْحُكْمُ فِيهِمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ مَا قَبَلَ اللَّهُ وَ تَفَى بِمَا جَعَلَ اللَّهُ لَهُمْ مِنْ ذِمَّتِهِ وَ عَهْدِهِ وَ تَكْلَهُمْ إِلَيْهِ فِيمَا طُلِبُوا مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أُجْبِرُوا عَلَيْهِ وَ تَحْكُمَ فِيهِمْ بِمَا حَكَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ فِيمَا جَرَى بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ مِنْ مُعَامَلَةٍ وَ لِيَكُنْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ ظُلْمِهِمْ مِنْ رِعَايَةِ ذِمَّةِ اللَّهِ وَ الْوَفَاءِ بِعَهْدِهِ وَ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص حَائِلٌ فَإِنَّهُ بَلَّغْنَا أَنَّهُ قَالَ مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا كُنْتُ خَصْمَهُ فَاتَّقِ اللَّهَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ترجمه:

اما حق کسانی که مسلمان نیستند؛ و در هر حال جنگ با مسلمانها هم نیستند و شرایط زندگی در مملکت اسلامی را پذیرفته اند؛ آنست که پزیری از آنان چیزی را که خدا پذیرفته است و وفا کنی به عهد و پیمانی که بین آنها و دولت اسلامی منعقد شده است و مزاحم آنان در آنچه که از خود شان میخواهند و به آنچه که مجبور به آن هستند نشوی؛ و حکم کن در آنها همانگونه که خداوند بر تو حکم نموده است؛ در آنچه واقع می شود بین تو و آنها از معامله؛ و حائل و پرده قرار بده بین خود و بین ظلم به آنها پیمان خداوند و وفا به عهد خدا و رسول خدا را؛ زیرا از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بما رسیده است که فرمود: کسیکه کافرذمی و معاهد را مورد ظلم قرار دهد من خصم او خواهم بود. پس تقوای الهی را پیشه کن و قوتی نیست مگر به خداوند متعال.

فَهَذِهِ خَمْسُونَ حَقًّا مُحِيطًا بِكَ لَا تَخْرُجُ مِنْهَا فِي حَالٍ مِنَ الْأَحْوَالِ يَجِبُ عَلَيْكَ رِعَايَتُهَا وَ الْعَمَلُ فِي تَادِيبَتِهَا وَ الْإِسْتِعَانَةُ بِاللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَى ذَلِكَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ - وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ترجمه:

این پنجاه حقی است که تر احاطه کرده است و از این حقوق در هیچ حالی  
از احوال خارج نیستی؛ بر تو واجب است رعایت این حقوق و تلاش برای ادای  
آن و طلب مساعدت و کمک از خداوند متعال بر رعایت این حقوق؛ و نیست  
قوتی مگر به خداوند متعال و حمد و سپاس مخصوص آن ذات مقدس است.

## فهرست مطالب

- ۱- حق الله ..... ۷
- ۲- حق انسان بر خودش ..... ۸
- ۳- حق زبان ..... ۹
- ۴- حق گوش ..... ۱۰
- ۵- حق چشم ..... ۱۱
- ۶- حق پا ..... ۱۲
- ۷- حق دست ..... ۱۳
- ۸- حق شکم ..... ۱۴
- ۹- حق عورت ..... ۱۵
- ۱۰- حق نماز ..... ۱۶
- ۱۱- حق روزه ..... ۱۷
- ۱۲- حق صدقه ..... ۱۸
- ۱۳- حق قربانی ..... ۲۰
- ۱۴- حق رهبر سیاسی ..... ۲۱
- ۱۵- حق استاد (رهبر علمی) ..... ۲۲
- ۱۶- حق مالک ..... ۲۳
- ۱۷- حق رعیت ..... ۲۴
- ۱۸- حق متعلم بر استاد یا حق جاهل بر عالم ..... ۲۶
- ۱۹- حق زن بر شوهر ..... ۲۷
- ۲۰- حق مملوک (خدمتکار) ..... ۲۸



- ۲۱- حق مادر..... ۲۹
- ۲۲- حق پدر..... ۳۱
- ۲۵- حق کسی که بر تو احسان نموده است..... ۳۴
- ۲۶- حق آزاد کرده..... ۳۶
- ۲۷- حق کسیکه کار خوبی برای تو نموده است..... ۳۷
- ۲۸- حق موذن..... ۳۸
- ۲۹- حق امام جماعت..... ۳۹
- ۳۰- حق هم نشین..... ۴۰
- ۳۱- حق همسایه..... ۴۱
- ۳۲- حق هم صحبت..... ۴۲
- ۳۳- حق شریک..... ۴۴
- ۳۴- حق مال..... ۴۵
- ۳۵- حق طلبکار..... ۴۶
- ۳۶- حق معاشر..... ۴۷
- ۳۷- حق مدعی..... ۴۸
- ۳۸- حق مدعی علیه..... ۴۹
- ۳۹- حق کسیکه از تو مشورت میخواهد..... ۵۰
- ۴۰- حق کسیکه از او مشورت میخواهی..... ۵۱
- ۴۱- حق نصیحت شونده..... ۵۲
- ۴۲- حق نصیحت کننده..... ۵۳
- ۴۳- حق بزرگترها..... ۵۴
- ۴۴- حق کوچکترها..... ۵۵
- ۴۵- حق کسیکه از تو کمک می خواهد..... ۵۶
- ۴۶- حق کسیکه تو از او کمک میخواهی..... ۵۷

- ۴۷- حق کسیکه سبب خوشحالی تو شده است ..... ۵۸
- ۴۸- حقی کسیکه بسبب او نکبتی به تو رسیده است ..... ۵۹
- ۴۹- حق همه مسلمانان به طور عموم ..... ۶۱
- ۵۰- حق غیر مسلمانانی که در حال جنگ با مسلمانان نباشند ..... ۶۲
- فهرست مطالب ..... ۶۴